

## صلاحیت شورای حقوق بشر ملل متحد و ساز و کارهای خاص آن راجع به مخاصمات مسلحانه: اعدام‌های فراقانونی در چارچوب «مبارزه با تروریسم»\*

فیلیپ آلستون،\*\* جیسون مورگان- فوستر\*\*\* و ویلیام آبرش\*\*\*\*  
مترجم: احسان جاوید\*\*\*\*\*

### چکیده

از سال ۲۰۰۳ ایالات متحده آمریکا به‌عنوان بخشی از راهبرد «مبارزه با تروریسم»، بر این بوده است که کمیسیون حقوق بشر ملل متحد و خلف آن، شورای حقوق بشر و نیز «ساز و کارهای خاص» گزارش‌دهی این دو رکن، همگی فاقد صلاحیت لازم برای بررسی تخلفات صورت گرفته در چارچوب مخاصمات مسلحانه هستند. مقاله حاضر در پی آن است تا استدلال‌ات مطرح شده از سوی ایالات متحده را در حیطه خاص فعالیت گزارشگر ویژه ملل متحد در مورد اعدام‌های فراقانونی، فوری یا خودسرانه مورد بررسی قرار دهد. نویسندگان بر این عقیده‌اند که رویه ثابت نهادهای حقوق بشری که در طول تقریباً ۲۵ سال، اغلب از سوی ایالات متحده مورد حمایت واقع شده و تا سال ۲۰۰۳ مورد مخالفت این کشور نبوده‌اند با رویکرد فعلی ایالات متحده در تضاد است. پذیرش رویکرد فعلی ایالات متحده، نه تنها تلاش برای مسئول

\*. مشخصات مأخذ مقاله به شرح ذیل می‌باشد:

Philip Alston, Jason Morgan-Foster and William Abresch, The Competence of the UN Human Rights Council and its Special Procedures in relation to Armed Conflicts: Extrajudicial Executions in the "War on Terror", The European Journal of International Law Vol. 19 no. 1 © EJIL 2008, pp. 183-209.

\*\* استاد حقوق بین‌الملل در کرسی جان نورتون پومروی از دانشکده حقوق دانشگاه نیویورک و گزارشگر ویژه ملل متحد در موضوع اعدام‌های فراقانونی، فوری یا خودسرانه.

\*\*\* محقق پروژه اعدام‌های فراقانونی از دانشگاه نیویورک.

\*\*\*\* مدیر پروژه اعدام‌های فراقانونی از دانشگاه نیویورک.

\*\*\*\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بشر دانشگاه علامه طباطبائی.

شناختن امریکا را تضعیف خواهد کرد، بلکه کلاً تأثیری شگرف بر نظام بین‌المللی مسئولیت خواهد گذاشت.

## ۱. مقدمه

به دنبال حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ ایالات متحده اقدام به طرح ایده‌ای کرد که طبق آن، شورای حقوق بشر ملل متحد و خلف آن، کمیسیون حقوق بشر و «ساز و کار خاص»<sup>۱</sup> گزارش‌دهی این دو رکن، همگی فاقد صلاحیت بررسی در خصوص تخلفات ارتكابی در زمینه مخاصمات مسلحانه هستند. این سیاست تنها بخشی از مجموعه وسیعی از استدالات حقوقی از سوی ایالات متحده در حمایت از راهبرد «مبارزه با تروریسم» است که بسیاری از تفاسیر پذیرفته شده در حقوق بین‌الملل را به چالش کشیده است. اگرچه نوشته‌های زیادی در مورد این موضوع در حوزه حقوق ماهوی - به‌ویژه در ارتباط با مسائلی از قبیل حقوق توسل به جنگ،<sup>۲</sup> منع تبعیض<sup>۳</sup> و منع شکنجه<sup>۴</sup> - به‌وجود آمده، ولی در هیچ‌یک ادعای فقدان صلاحیت سازمانی مورد اشاره قرار نگرفته است.

در عین حال، پذیرش چنین ادعایی دارای آثار وسیعی است، به‌ویژه از این جهت که کارایی بالقوه رژیم حقوقی حقوق بشر بین‌الملل را در مسائل شناختن دولت‌ها تضعیف می‌کند. تعداد و دامنه مخاصمات مسلحانه فعال در دنیای معاصر بر اهمیت این موضوع تأکید دارد. این ادعا که «مبارزه با تروریسم» الزاماً یک نوع جنگ فاقد هرگونه محدودیت زمانی یا مکانی است، آن را به‌صورت مسئله‌ای غامض درمی‌آورد. موضع ایالات متحده به مثابه ارائه این پیشنهاد است که بررسی تخلفات صورت گرفته در مخاصمات مسلحانه و تلاش برای مسئول اعلام کردن دولت‌ها باید بر عهده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، دیگر سازمان‌های غیردولتی و وکلای نظامی گذاشته شود. اگرچه هریک از این بازیگران نقش مهمی را ایفا می‌کنند، اما هیچ‌کدام این ابزار و اختیار را

۱. «ساز و کارهای خاص» لفظ عامی است که در مورد ساز و کارهای ایجاد شده توسط کمیسیون حقوق بشر و شورای حقوق بشر ملل متحد که اقداماتی با ماهیت ترویجی، حمایتی و حقیقت‌یابی را درباره موضوعات خاص یا وضعیت کشوری خاص انجام می‌دهند، به‌کار برده می‌شود. در مورد بررسی و نقد این سیستم مراجعه کنید به:

Amnesty International, United Nations Special Procedures: Building on a Cornerstone of Human Rights Protection, AI Index IOR 40/017/2005 (1 Oct. 2005).

2. See, e.g., Sapiro, 'Iraq: The Shifting Sands of Pre-emptive Self-Defence', 97 AJIL (2003) 599; Franck, 'What Happens Now? The United Nations After Iraq', 97 AJIL (2003) 607.

3. See, e.g., Roberts, 'Righting Wrongs or Wronging Rights? The United States and Human Rights Post-September 11', 15 EJIL (2004) 721.

4. See, e.g., Concluding Observations of the Committee Against Torture concerning the second periodic report of the United States, UN Doc. CAT/C/USA/CO/2 (25 July 2006); Center for Constitutional Rights, Report on Torture and Cruel, Inhuman, and Degrading Treatment of Prisoners at Guantanamo Bay, Cuba (July 2006); American Civil Liberties Union, Enduring Abuse: Torture and Cruel Treatment by the United States at Home and Abroad (April 2006).

ندارند که دولت‌ها را به‌طور مؤثر و نظام‌مند مسئول اعلام کنند. اختیارات و وظایف کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به‌ندرت به آن اجازه می‌دهد که آشکارا نقض‌های صورت گرفته را مورد توجه قرار دهد. وکلای نظامی نیز حافظ منافع دولت‌ها هستند و شاید مایل باشند که قانون را به‌گونه‌ای تفسیر کنند که محدوده عملکرد وسیع نظامی را برای آنها فراهم کند. حتی زمانی که حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه عملاً رعایت می‌شود، آنها نباید تنها به کنترل و نظارت بر فعالیت‌های نظامی بسنده کنند. هرچند برخی سازمان‌های غیردولتی به‌طور همیشگی مشروعیت اقدامات خاص انجام گرفته را مورد ارزیابی عمومی قرار می‌دهند، ولی بیشتر آنها لوازم انجام چنین کاری را ندارند، به‌ویژه زمانی که دسترسی آنها به اطلاعات لازم بسیار محدود می‌شود. هیچ‌کدام از این سازمان‌ها هیچ‌گاه محکمه‌ای را در کشورها و دیگر دولت‌هایی که طرف یک مخاصمه خاص نیستند، تأسیس نمی‌کنند؛ آن هم محکمه‌ای که بتواند به طرفین مخاصمه مسلحانه فشار بیاورد تا از هنجارهای بین‌المللی تبعیت کنند.

مستثنا کردن مخاصمات مسلحانه از قلمرو صلاحیت شورای حقوق بشر و ساز و کارهای خاص آن، امکان تشکیل یک محکمه قدرتمند را در دولت‌هایی که به احتمال فراوان باید در قبال تخلفات ارتکاب یافته در چارچوب مخاصمات مسلحانه پاسخگو باشند، از بین خواهد برد. از این‌رو، این امکان که بتوان آنها را نسبت به اعمال ارتكابی علنی و نظام‌مند خود در این زمینه محکوم ساخت، کاهش خواهد یافت. همچنین مستثنا کردن مخاصمات مسلحانه از قلمرو صلاحیت شورای حقوق بشر احتمالاً هر دولتی را ترغیب خواهد کرد که تفاسیر بسیار محدودی از حمایت‌های متعلق به قربانیان یک مخاصمه مسلحانه ارائه دهد و این مسئله، امکان ارائه تفاسیری گوناگون [و گاه متضاد] از موازینی را که باید در زمان مخاصمه مسلحانه رعایت شوند، دامن خواهد زد.

ادعاهای راجع به صلاحیت سازمانی، یا به عبارتی، فقدان چنین صلاحیتی در حقوق بین‌الملل در کل دارای اهمیت زیادی هستند. این ادعاها حتی در حوزه‌های حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه که موازین مربوطه‌شان به‌طور نسبی همدیگر را تحت پوشش قرار می‌دهند و مکمل یکدیگرند، از اهمیت بیشتری برخوردار است. بدین لحاظ مسئله اساسی این است که کدام نهاد این صلاحیت را خواهد داشت که هنجارهای مذکور را نسبت به یک وضعیت خاص اعمال، و مشروعیت آن را اثبات کند. در واقع، همان‌طور که «مارتی کسکنیمی» بیان داشته است، استراتژی حقوق بین‌الملل تا حدود زیادی بحث درباره صلاحیت سازمانی است. از نظر وی این واقعیت، «درک و شناسایی این موضوع را انعکاس می‌دهد که قبل از اینکه بدانیم چه نهادهایی صلاحیت رسیدگی به یک موضوع را خواهند داشت از همین حالا می‌توانیم بگوییم که چطور به

این موضوع رسیدگی خواهد شد».<sup>۵</sup>

اعتراض ایالات متحده به صلاحیت یا اختیار قانونی شورای حقوق بشر ملل متحد در راستای ادعای این دولت مبنی بر اینکه حقوق بشر در طول مخاصمات مسلحانه قابل اعمال نیست، صورت می‌گیرد. این مقاله در پی آن است تا چالش حقوق ماهوی و نیز ایراد ساختاری وارد به دلیل فعالیت‌های صورت گرفته در چارچوب کاری کمیسیون حقوق بشر و شورای حقوق بشر را در مورد مسئول شناختن ایالات متحده و اقدامات انجام یافته در زمینه آنچه می‌تواند یا نمی‌تواند به‌عنوان یک مخاصمه مسلحانه توصیف شود، بررسی کند. این بررسی با تأکید خاص بر اظهارات اخیر که میان دولت ایالات متحده و گزارشگر ویژه ملل متحد در مورد اعدام‌های فراقانونی، فوری یا خودسرانه (از این به بعد گزارشگر ویژه) صورت گرفته است، انجام می‌گیرد.<sup>۶</sup>

این مقاله بحث خود را کلاً با بررسی راهبرد ارائه شده توسط ایالات متحده در مورد تفسیر صحیح مأموریت گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر آغاز می‌کند. پس از این بررسی به تحلیل هریک از عناصر تشکیل‌دهنده موضع ایالات متحده از دیدگاه حقوق بین‌الملل و رویه مربوط می‌پردازد و با توجه به برخی مفاهیم ضمنی که در صورت پذیرفتن موضع دولت ایالات متحده پدیدار خواهند شد، نتیجه‌گیری می‌کند.

## ۲. موضع ایالات متحده امریکا

رهیافت ایالات متحده در ارتباط با اینکه آیا کشتن هدفمند تروریست‌های مظنون<sup>۷</sup> در حیطه صلاحیت شورای حقوق بشر به‌طور عام و گزارشگر ویژه آن به‌طور خاص است نیاز به یک بررسی موردی راجع به مسائل حقوق موضوعه و همچنین صلاحیت سازمانی دارد. در حالت کلی به نظر می‌رسد که رویکرد ایالات متحده باید بر چهار دلیل اصلی مبتنی باشد: (۱) اول اینکه این دولت در وضعیت مخاصمه مسلحانه با القاعده قرار دارد و به عبارتی، «مبارزه با تروریسم» در حقیقت یک مخاصمه مسلحانه در مفهوم حقوقی است و نه صرفاً در مفهوم لفظی؛ (۲) حقوق بین‌الملل بشردوستانه نسبت به وضعیت‌های مخاصمات مسلحانه قابل اعمال است و در این زمینه موجب مستثنا شدن اجرای حقوق بشر می‌شود؛ (۳) صلاحیت شورای حقوق بشر و

5. M. Koskeniemi, *From Apology to Utopia: The Structure of International Legal Argument* (2006), at 610.

۶. از آنجا که در حال حاضر یکی از نویسندگان این مقاله به‌عنوان گزارشگر ویژه در خصوص این موضوع مشغول به کار است و دو نویسنده دیگر به‌طور وسیعی در این زمینه کار کرده‌اند، این مقاله عمدتاً مکاتبات صورت گرفته میان گزارشگر ویژه ملل متحد و دولت ایالات متحده را به تصویر می‌کشد. لازم به ذکر است که مکاتبات مذکور راجع به کلیه مسائل عمومی بوده و مذاکرات صورت گرفته میان طرفین در زمینه فعالیت‌های مستمر گزارشگر ویژه هنوز هم در جریان است.

7. For analyses of the implications of the 'War on Terror' for the law governing extrajudicial executions, see Kretzmer, 'Targeted Killing of Suspected Terrorists: Extra-Judicial Executions or Legitimate Means of Defence?', 16 EJIL (2005) 171, 178; and Nottle, 'Preventive Use of Force and Preventive Killings: Moves into a Different Legal Order', 5 *Theoretical Inquiries in Law* (2004) 111.

ساز و کارهای ویژه آن صرفاً منحصر به نظام حقوق بشر بین الملل است؛ و از این رو، (۴) شورای حقوق بشر و ساز و کارهای خاص آن فاقد صلاحیت لازم برای پرداختن به کشتارهای صورت گرفته در چارچوب سیاست ایالات متحده در «مبارزه با تروریسم» است.

قبل از بررسی هر کدام از این موضوعات لازم است ابتدا وضعیتی که ایالات متحده و گزارشگر ویژه در زمینه مسائل مطرح شده به بحث و تبادل نظر گذاشته‌اند مورد بررسی قرار گیرد. اولین مورد مربوط به ادعاهایی بود که طبق آنها در تاریخ ۳ نوامبر ۲۰۰۲ در یمن، شش نفر در حالی که در حال مسافرت با یک اتومبیل بودند با اصابت یک موشک از سوی یک جنگنده شکاری امریکا کشته شدند. به دنبال آن، گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بشر، اسما جهانگیر، در تاریخ ۱۵ نوامبر ۲۰۰۲ مکاتبه‌ای را با دولت ایالات متحده انجام داد و در مورد انطباق این اقدام با موازین حقوقی بین‌المللی، خواهان توضیح شد. در پاسخ به این درخواست، ایالات متحده متقابلاً گزارش بسیار مفصلی را تنظیم و صریحاً درخواست کرد که این گزارش به‌عنوان یک سند جداگانه بین تمام اعضای کمیسیون حقوق بشر پخش شود.<sup>۸</sup> این پاسخ را امریکا در ۱۴ آوریل ۲۰۰۳ با اذعان به اینکه ایالات متحده آمادگی لازم را برای ارائه هرگونه توضیحی در خصوص ادعاهای عملی مطرح شده در گزارش گزارشگر ویژه یا صحت و سقم آنها نداشته، مطرح کرد. دلیل امتناع امریکا از همکاری، صریح و صادقانه بود:

«دولت ایالات متحده در کمال احترام اعلام می‌دارد که تحقیقات و درخواست‌های مربوط به ادعاهای ناشی از هرگونه عملیات نظامی انجام شده در طی یک مخاصمه مسلحانه با القاعده در حیطه وظایف گزارشگر ویژه نیستند».

«ایالات متحده همچنین با مینا قراردادادن مکاتبه مزبور، با یافته‌های مندرج در گزارش که حاکی از آن هستند که عملیات نظامی علیه رزمندگان دشمن می‌تواند به‌عنوان «اعدام‌های فراقانونی» تحت رضایت دولت تلقی شوند، مخالف است. رفتار و عملکرد یک دولت در عملیات نظامی مشروع، خواه علیه نیروهای القاعده و خواه هر هدف نظامی مشروع دیگر، تحت حاکمیت حقوق بین‌الملل مخاصمات مسلحانه خواهد بود».<sup>۹</sup>

پس از ارائه فهرستی از حملات تروریستی علیه ایالات متحده که دولت امریکا این حملات

---

8. For further information on the growth of the controversial CIA unmanned drone targeted killing program, see Meyer, ' CIA Expands Use of Drones in Terror War ', Los Angeles Times , 29 Jan. 2006, at A1 (noting the deliberate United States failure to recognize the mandate of the Special Rapporteur); McManus, A United States License to Kill ', Los Angeles Times , 11 Jan. 2003, at 1.

9. Letter dated 14 April 2003 from the Chief of Section, Political and Specialized Agencies, of the Permanent Mission of the United States of America to the United Nations Office at Geneva addressed to the secretariat of the Commission on Human Rights, UN Doc. E/CN.4/2003/G/80, at 2 – 3 (22 April 2003).

را به‌طور کلی یا جزئی به شبکه القاعده منتسب کرده بود،<sup>۱۰</sup> نتیجه گرفته شد که: «عملیات نظامی مداوم علیه ایالات متحده و اتباع آن به‌وسیله سازمان القاعده قبل از حادثه ۱۱ سپتامبر و همچنین بعد از آن، مستلزم واکنش نظامی از سوی ارتش ایالات متحده امریکا است. اگر خلاف این نتیجه‌گیری کنیم باید به گروهی مسلح اجازه داد که به‌طور غیرقانونی وارد جنگ علیه کشور مستقلی شوند که از دفاع از خود منع می‌شود».<sup>۱۱</sup>

به‌دنبال این، ایالات متحده قوانین خود را مورد بازبینی قرار می‌دهد تا نسبت به چنین اوضاع و احوالی قابل اعمال باشد:

«حقوق بین‌الملل بشردوستانه، حقوق قابل اجرا در مخاصمات مسلحانه است و بر کاربرد زور علیه اهداف نظامی مشروع حاکم است. بنابراین، حقوق قابل اجرا در یک مخاصمه مسلحانه در خصوص مشخص ساختن این مسئله که آیا حیات یک فرد در این مخاصمه به‌طور خودسرانه سلب شده یا خیر، حقوق و عرف‌های جنگ است. طبق این بخش از حقوق بین‌الملل، رزمندگان دشمن را می‌توان مورد حمله قرار داد، مگر اینکه تسلیم شده یا مجروح شده و از توان رزمی خارج شده باشند. تروریست‌های القاعده‌ای که به طراحی نقشه‌های حمله به ایالات متحده ادامه می‌دهند، می‌توانند نقاط هدف مشروع حملات نظامی امریکا در موقعیت‌های مقتضی باشند».<sup>۱۲</sup>

ایالات متحده براساس دلایل مذکور نتیجه گرفت که کمیسیون حقوق بشر و گزارشگر ویژه آن، فاقد صلاحیت رسیدگی به مسائلی هستند که از حقوق مخاصمات مسلحانه نشأت

۱۰. علاوه بر این، دولت ایالات متحده با اشاره به حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نمونه‌های زیر را بیان می‌کند: «سازمان القاعده به رهبری ابومصعب الزرقاوی به تأسیس یک مرکز آموزشی مواد منفجره و گازهای سمی در شمال شرقی عراق با همکاری سازمان تندروی انصارالاسلام کمک کرده است. از دیگر حملاتی که به القاعده و گروه‌های مرتبط با آن نسبت داده شد، می‌توان به اقدام به بمب‌گذاری در ۲۲ دسامبر ۲۰۰۱ توسط یک هواپیمای تجاری بر فراز اقیانوس اطلس از مقصد پاریس به میامی توسط فردی به نام ریچارد رید اشاره داشت؛ در ۲۳ ژانویه ۲۰۰۲، دانیل پیرل، گزارشگر امریکایی در کراچی پاکستان ربوده شد و سپس به قتل رسید؛ در ۱۷ مارس ۲۰۰۲ پرتاب نارنجک به یک کلیسای پروتستان در اسلام‌آباد، باعث کشته شدن پنج نفر شد که دو نفر از آنها از اتباع ایالات متحده بودند؛ در ۱۴ ژوئن ۲۰۰۲ انفجار یک اتومبیل بمب‌گذاری شده در مقابل کنسولگری ایالات متحده در کراچی پاکستان باعث کشته شدن دوازده پاکستانی و نیز ورود خساراتی به ساختمان کنسولگری شد؛ در ۲ اکتبر ۲۰۰۲ انفجار یک بمب در فیلیپین باعث مرگ یک نظامی امریکایی شد؛ در ۱۲ اکتبر ۲۰۰۲ انفجار یک اتومبیل بمب‌گذاری شده در بیرون از یک باشگاه شبانه در بالی اندونزی منجر به کشته شدن نزدیک به دویست نفر توریست خارجی و مجروح شدن حدود سیصد نفر شد؛ در ۲۸ اکتبر ۲۰۰۲ در عمان، پایتخت اردن، به یکی از اعضای نیروهای وابسته به امریکا تیراندازی‌های مرگباری صورت گرفت؛ در ۲۸ نوامبر ۲۰۰۲ حمله انتحاری با یک اتومبیل بمب‌گذاری شده به یک هتل در مومباسای کنیا، به کشته شدن پانزده نفر انجامید. همزمان با این حادثه، یک حمله موشکی ناموفق نیز به یک هواپیمای غیرنظامی اسرائیلی که در حال پرواز از مومباسا بود صورت گرفت؛ در ۲۸ فوریه ۲۰۰۳ حمله یک فرد مسلح به مرکز پلیس در مجاورت کنسولگری امریکا در کراچی، به کشته شدن چهار پلیس محلی منجر گردید؛ و حملات متعدد دیگری که از زمان شروع جنگ در افغانستان صورت گرفته است. علاوه بر این، نیازی به یادآوری حملاتی که قبل از یازده سپتامبر علیه اتباع و اموال امریکایی از سوی القاعده صورت گرفته است، نیست، مثل بمب‌گذاری در سفارتخانه‌های ایالات متحده در کنیا و تانزانیا و حمله به پایگاه نظامی ایالات متحده در یمن»؛

Letter dated 14 April 2003; *supra* note 9, at 3 – 4.

11. *Ibid.*, at 4.

12. *Ibid.*, at 4 – 5.

می‌گیرند.<sup>۱۳</sup>

متعاقباً اسما جهانگیر به دو مکاتبه ارسالی دیگر به ایالات متحده در مورد مسائل مخصصات مسلحانه اشاره کرد. اولین مکاتبه مربوط به گزارشی بود که براساس آن، نیروهای نظامی ایالات متحده در سال ۲۰۰۳ در زمان نا آرامی‌ها در شهر فلوجه عراق، علیه جمعیت غیرنظامی متوسل به قوای قهری بیش از اندازه شده‌اند.<sup>۱۴</sup> متقابلاً ایالات متحده پاسخ داد که «تحقیقات مربوط به عملیات نظامی در عراق در حیطه وظایف گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بشر نیست؛ چرا که وظایف وی به بررسی قواعد و عرف‌های جنگ تسری نمی‌یابد».<sup>۱۵</sup> با وجود این، ایالات متحده اعلام کرد که اگرچه نیاز نبود به سؤالات مطرح شده‌ای که خارج از صلاحیت گزارشگر ویژه بود، پاسخ دهد، اما این دولت به منظور تصحیح سند مزبور، این کار را خواهد کرد.<sup>۱۶</sup> در این باره، ایالات متحده بیان می‌دارد:

«نیروهای نظامی ایالات متحده، طبق قوانین و مقررات شغلی خود که حامی مأموران زن و مرد آمریکایی در انجام مأموریتشان هستند، انجام وظیفه می‌کنند که البته حمایت مقتضی نیز از افراد غیرنظامی به عمل می‌آورند. این قواعد و مقررات لازم الاجرا در عراق با دقت تدوین شده و کاملاً از قواعد و مقررات جنگ تبعیت می‌کنند».<sup>۱۷</sup>

در دومین مکاتبه، گزارشگر ویژه، نگرانی خود را در مورد گزارش‌هایی ابراز کرد که حاکی از آن بودند که به سربازان ایالات متحده دستور داده شده بود به هر فردی که مظنون به غارت و چپاول اموال در عراق است، شلیک کنند.<sup>۱۸</sup> در پاسخ به اظهارات گزارشگر ویژه، ایالات متحده، ادعای قبلی‌اش را تکرار و اعلام کرد که چنین مسائلی خارج از حیطه مأموریت گزارشگر ویژه هستند و خواستار آن شد که بررسی حوادث مزبور متوقف گردد.<sup>۱۹</sup> این موضوع تا جولای ۲۰۰۴

13. *Ibid.*, at 5.

14. Communication dated 12 May 2003, in Report of the Special Rapporteur, Asma Jahangir, Summary of cases transmitted to the government and replies received, UN Doc. E/CN.4/2004/7/Add.1, para.579 (2004).

15. Response dated 8 April 2004 of the United States to the Special Rapporteur on extrajudicial, summary, or arbitrary executions, in UN Doc. E/CN.4/2005/7/Add.1, para. 765 (2005).

16. *Ibid.* A similar approach was taken by the United States in its dialogue concerning detention in Guantanamo Bay with the Working Group on Arbitrary Detention. See Letter dated 2 April 2003 from the Permanent Mission of the United States of America to the United Nations Office at Geneva addressed to the secretariat of the Commission on Human Rights, UN Doc. E/CN.4/2003/G/73 (2003) ('[T]he mandate of the Working Group does not include competence to address the Geneva Conventions of 1949 or matters arising under the law of armed conflict. Nevertheless, the United States Government, in a spirit of cooperation, offers this response to the Working Group Report ...').

17. Response dated 8 April 2004, *supra* note 15.

18. Communication of 12 May 2003. UN Doc. E/CN.4/2004/7/Add.1 (2004), para. 572.

19. UN Doc. E/CN.4/2005/7/Add.1 (2005), para. 765.

مسکوت باقی ماند تا اینکه در این تاریخ، گزارشگر ویژه جدید، آقای فیلیپ آلستون، آن را از دو جنبه متفاوت مورد توجه قرار داد. اولین مورد، مربوط به گزارش سالانه اولیه وی بود که در دسامبر ۲۰۰۴ به کمیسیون حقوق بشر تسلیم کرد و در مارس ۲۰۰۵ مورد بررسی قرار گرفت (از این به بعد «گزارش سال ۲۰۰۵»). در این گزارش، گزارشگر ویژه هر سه جریان گفته شده را مورد اشاره قرار داد و اظهار کرد در واکنش‌هایی که ایالات متحده در قبال گزارش‌های گزارشگر قبلی از خود نشان داده، موضوعاتی را مطرح کرده که به نوعی توجیه‌کننده اظهارات این دولت بوده‌اند.<sup>۲۰</sup> پس این تحلیل سعی می‌کند که استدلال‌ات مختلف را به ترتیبی که ذیلاً بررسی می‌شوند، مورد بازبینی قرار دهد.

دومین موردی را که آقای فیلیپ آلستون مد نظر قرار می‌دهد، وضعیت عینی خاص دیگری را در بر می‌گیرد. این مورد، ادعاهای جدیدی را در بر داشت که بر این اساس، ایالات متحده در تاریخ ۱۰ می ۲۰۰۵ مبادرت به کشتن هدفمند یک عضو مظنون شبکه القاعده کرده بود. در این حادثه، هیتام الیمینی در مرز پاکستان و افغانستان به وسیله یک موشک شلیک شده از سوی یک هواپیمای بدون سرنشین که توسط سازمان سیا هدایت می‌شد، ترور شد. در واکنش به این حادثه، گزارشگر ویژه در ۲۶ اگوست ۲۰۰۵ نامه‌ای به ایالات متحده ارسال کرد که بیش از آنکه مدعی وقوع نقض‌های صریح قانون حاکم از سوی ایالات متحده باشد، بیشتر به دنبال کسب توضیح در خصوص دیدگاه‌هایی بود که از سوی دولت امریکا در پاسخ قبلی آن با لحن بسیار تحقیق‌آمیز اظهار شده بود. بدین ترتیب، گزارشگر ویژه درباره آن دسته از قواعد حقوق بین‌الملل که دولت ایالات متحده نسبت به این حادثه قابل اجرا می‌دانست و نیز در مورد اینکه چه تضمینات شکلی از سوی این دولت به کار گرفته شده تا اطمینان دهد که این ترور مغایر با حقوق بین‌الملل صورت نگرفته و بر چه اساسی تصمیم گرفته شد که هیتام الیمینی به جای اسیر شدن به قتل برسد، اطلاعات بیشتری را درخواست کرد.<sup>۲۱</sup>

در پاسخ به این نامه، ایالات متحده موضع قبلی خود را تکرار و اظهار کرد که «تحقیقات راجع به شکایات ناشی از عملیات نظامی انجام شده در هنگام مخاصمه مسلحانه با القاعده در حیطه وظایف گزارشگر ویژه نیستند».<sup>۲۲</sup>

در هر حال در این برهه زمانی، تحلیل‌های دقیق و مفصل گزارشگر ویژه در گزارش سالانه سال ۲۰۰۵ خود موجب شد که ایالات متحده نتواند به راحتی این مسئله را مسکوت گذارد. از این رو، دولت ایالات متحده تصمیم گرفت وارد بررسی مسئله شود و سه انتقاد را در مورد

20. Report of Mr. Philip Alston to the 61st Session of the Commission on Human Rights, UN Doc. E/CN.4/2005/7, paras. 45 – 54 (22 Dec. 2004).

21. Allegation letter sent on 26 August 2005, in UN Doc. E/CN.4/2006/53/Add.1, pp. 264 – 65 (27 Mar. 2006).

22. Letter dated 4 May 2006 from the United States to the Special Rapporteur on extrajudicial, summary, or arbitrary executions, at 1.



ماهیت نقش گزارشگر ویژه در ارتباط با مخاصمات مسلحانه مطرح کرد. اولاً در پاسخ به اظهارنظر مندرج در گزارش سال ۲۰۰۵ مبنی بر اینکه «تمام قطعنامه‌های ذی‌ربط (کمیسیون) در سال‌های اخیر به طور صریح [به حقوق بین‌الملل بشردوستانه] اشاره کرده‌اند»،<sup>۲۳</sup> ایالات متحده اظهار داشت که «اگرچه قطعنامه‌های اخیر کمیسیون حقوق بشر و مجمع عمومی ملل متحد در زمینه توصیه‌ها یا تذکرات به دولت‌ها به حقوق بین‌الملل بشردوستانه اشاره داشته‌اند، اما این مسئله به هیچ‌وجه صلاحیت بررسی مسائل ناشی از حقوق مخاصمات مسلحانه را به گزارشگر ویژه اعطا نمی‌کند».<sup>۲۴</sup> ثانیاً در واکنش به ملاحظات صورت گرفته در گزارش سال ۲۰۰۵ مبنی بر اینکه «مجمع عمومی، در قطعنامه شماره ۵۹/۱۹۷ خود در تاریخ ۲۰ دسامبر ۲۰۰۴ به موضوع مأموریت گزارشگر ویژه می‌پردازد و دولت‌ها را تشویق می‌کند که تمام اقدامات ضروری و ممکن را مطابق با حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه برای پیشگیری از تلفات جانی... در طول... مخاصمات مسلحانه به کار بگیرند»،<sup>۲۵</sup> دولت ایالات متحده استدلال می‌کند:

«مجمع عمومی [فقط] دولت‌ها را به اتخاذ اقدامات تشویق کرده و در مقام تبیین یا گسترش مأموریت گزارشگر ویژه نبوده است. در حقیقت، این قطعنامه به موضوع مأموریت گزارشگر ویژه وارد نشده و فقط به این نکته اشاره داشته که گزارشگر ویژه باید در حوزه مأموریت خود عمل کند. به عنوان مثال، پاراگراف ۱۳ قطعنامه ۵۹/۱۹۷ مجمع عمومی، گزارشگر ویژه را تشویق می‌کند که در حدود مأموریتش، توجه کمیساریای عالی حقوق بشر ملل متحد... را به وضعیت اعدام‌های فراقانونی، فوری یا خودسرانه که موجب نگرانی بسیار شدید هستند یا در مورد اقدامات سابق که می‌توانند از وخامت بیشتر اوضاع پیشگیری کنند، جلب کند».<sup>۲۶</sup>

در پاسخ به ادعای گزارشگر ویژه که در گزارش سال ۲۰۰۵ خود گفته بود «گزارشگر ویژه حداقل از سال ۱۹۹۲ به بعد در هر گزارش سالیانه به نقض‌های ارتكابی در مورد حق حیات در زمان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی پرداخته است»،<sup>۲۷</sup> ایالات متحده اظهار کرد «با وجود اینکه گزارشگر ویژه ممکن است در موارد خارج از مأموریت خود گزارش داده باشد، اما این مسئله صلاحیت رسیدگی به چنین مسائلی را به گزارشگر ویژه نمی‌دهد».<sup>۲۸</sup>

از جهات مختلفی این تبادل نظر، یک نمونه از شیوه مناسبات میان یک دولت و یک رکن دارای ساز و کار خاص است که باید نه تنها در موارد اختلاف بر سر عناصر واقعی یک قضیه، بلکه همچنین در مواردی که اختلافی بر سر قانون حاکم وجود دارد، بدان شیوه عمل شود.

23. UN Doc. E/CN.4/2005/7, *supra* note 20, at para. 45.

24. Letter dated 4 May 2006, *supra* note 22, at 3.

25. UN Doc. E/CN.4/2005/7, *supra* note 20, para. 45.

26. Letter dated 4 May 2006, *supra* note 22, at 3 – 4.

27. UN Doc. E/CN.4/2005/7, *supra* note 20, para. 45.

28. Letter dated 4 May 2006, *supra* note 22, at 4.

سیستم مکاتبات که دقیقاً با عطف به دیگر اصطلاح رایج در دیگر نامه‌های مورد نظر تعریف شده، به منظور تشویق دولت‌ها به ارائه اطلاعات واضح در موارد خاص و نیز در مواردی که حقوق بشر در معرض خطر نقض قرار گرفته است، تنظیم گردیده تا دولت‌ها اقدامات جبرانی مناسبی را اتخاذ کنند. در هر صورت، متأسفانه این سیستم در رویه بسیاری از دولت‌ها، به خاطر رعایت مقررات و ظواهر امر تبادل مکاتبات و بدون هرگونه الزام به این کار یا پاسخ جدی، رو به افول نهاده است. از این رو، گزارشگر ویژه در گزارش سال ۲۰۰۵ خود اظهار داشت که در سال گذشته تنها ۵۴ درصد مکاتبات انجام شده از سوی دولت‌هایی که مخاطب قرار گرفته‌اند، به نوعی با پاسخ همراه بوده‌اند. به دلیل آنکه میزان پاسخ‌دهی دولت‌ها مسلماً رضایت‌بخش نبود، این مسئله موجب شد که گزارشگر ویژه اقدامات متعددی را در راستای بالا بردن میزان پاسخ‌دهی دولت‌ها اتخاذ کند. این اقدامات بدین شرح بودند: (۱) دقت بسیار در هر یک از مسائل حقوق بشری و همچنین اقداماتی که دولت‌ها ممکن است انجام دهند؛ (۲) پایین آوردن میزان اطلاعات درخواستی از یک دولت در موردی خاص به منظور مطمئن شدن از اینکه درخواست مزبور موجب مسئولیت بی‌مورد و افراط‌آمیز برای دولت ذی‌ربط نمی‌شود؛ (۳) طبقه‌بندی اظهارات متقابل دولت‌ها در قالب دسته‌های متفاوتی که به طور مؤثر سطح پاسخ‌دهی دولت‌ها را مورد ارزیابی قرار خواهد داد.<sup>۲۹</sup>

نامه ارسالی به ایالات متحده در ۲۶ آگوست ۲۰۰۵ از این رهیافت پیروی می‌کرد. در مقابل کلی‌گویی نسبی نامه‌های قبلی، سؤالات مطرح شده در نامه اخیر کاملاً تخصصی بودند و دقیقاً با اهداف انعکاس حقایق پرونده ذی‌ربط و همچنین یادداشت‌های قبلی مکاتبه شده با ایالات متحده طرح گردیده بودند. خواه مکاتبه اخیر باعث ارائه یک پاسخ مفصل از سوی ایالات متحده شده باشد یا نه و خواه دولت امریکا صرفاً تحت فشار فزاینده‌ای بوده تا اقدامات خود در «مبارزه با تروریسم» را مورد دفاع قرار دهد، وظیفه ما این نیست که به گمانه‌زنی در این مورد پردازیم. به هر طریق، این مکاتبه عملاً با هدف روشن ساختن موضع ایالات متحده در قبال هر دو جنبه فوق و تعدیل هرچه بیشتر اختلافات انجام شد. به لحاظ نظری، مرحله بعدی رسیدگی، شامل یک تصمیم ماهوی از سوی شورای حقوق بشر خواهد بود؛ اگرچه راه‌حل آسان این است که اجازه داده شود همه قضایا در اثر گذشت زمان حل شوند. با این حال، احتمال اندک در خصوص اقداماتی است که مشروعیت آنها محل تردید است؛ چرا که تراکم عملکردهای دولتی اشاره شده در یک دستورالعمل یا دیگر اسناد، می‌تواند موجد حقوق بین‌الملل شد.<sup>۳۰</sup>

29. UN Doc. E/CN.4/2005/7, *supra* note 20, paras 21 – 22.

۳۰. برای اینکه چنین عملکردهایی موجد عقیده حقوقی رایج برای شکل‌گیری قاعده عرفی باشد، «نه تنها باید رویه‌های مزبور تا حد زیادی در قالب یک رویه ثابت صورت پذیرند، بلکه آنها باید به گونه‌ای نشان‌دهنده این باشند که عملکرد در اثر الزام ناشی از وجود یک قاعده حقوقی که چنین عملکردی را لازم می‌داند، صورت گرفته است»:

North Sea Continental Shelf, Judgment, ICJ Reports (1969) 3, at 44, para. 77.

### ۳. تحلیل عناصر کلیدی در دیدگاه ایالات متحده

همان‌طور که در بالا اشاره شد نظرهای بیان شده ایالات متحده را می‌توان در چهار بخش تقسیم‌بندی کرد. در این قسمت، هریک از این بخش‌ها را از منظر رویه قضایی بین‌المللی و عملکرد سازمانی مورد بررسی موشکافانه قرار خواهیم داد. اولین بخش می‌تواند بررسی شود. دولت ایالات متحده در یک حالت مخاصمه مسلحانه مستمر با القاعده قرارداد؛ اگرچه از سوی یک گروه پنج نفره از گزارشگران ویژه استدلال شده که «نبرد جهانی علیه تروریسم بین‌المللی موجد یک مخاصمه مسلحانه که مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه در آن قابلیت اجرایی دارند، نیست»<sup>۳۱</sup> ولی حتی این دیدگاه، نتیجه‌گیری را که طبق آن، حداقل در برخی جنبه‌های «مبارزه با تروریسم»، مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه اجرا می‌شود، منع نمی‌کند. بنابراین، ما بخش دوم را با این آغاز می‌کنیم که حقوق بین‌الملل بشردوستانه نسبت به وضعیت‌های مخاصمات مسلحانه قابل اعمال است و مستثنا شدن اجرای قواعد حقوق بشر را در این زمینه تحت تأثیر قرار می‌دهد.

#### الف) حقوق بشر و حقوق بشردوستانه مکمل یکدیگرند، نه مانع‌الجمع:

اولین نکته پذیرفته شده در مورد درک ارتباط میان حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه سلاح‌های هسته‌ای است. در این قضیه، دیوان ارتباط میان حقوق بشر و حقوق بشردوستانه را در زمان مخاصمه مسلحانه مورد بررسی قرار داد و بیان داشت تشخیص اینکه چه عملی در زمان مخاصمات، سلب خودسرانه حیات محسوب می‌شود «باید براساس قانون خاص حاکم از قبیل حقوق قابل اجرا در مخاصمات مسلحانه که برای تنظیم رفتار طرفین مخاصمه طرح می‌شود، تعیین گردد»<sup>۳۲</sup>. ایالات متحده با ارائه نظرهای مکتوب خود در قضیه سلاح‌های هسته‌ای<sup>۳۳</sup> به واسطه مکاتبه فعلی با گزارشگر ویژه، همواره استفاده از معیار «قانون خاص» را مورد حمایت خود قرار داده است. در هر حال، مکاتبات و اعمال نظرهای دولت ایالات متحده که در بخش دوم بحث شد، نشان می‌دهد که این دولت با پذیرش این دیدگاه که حقوق بین‌الملل بشردوستانه به‌عنوان یک موضوع عام، اجرای حقوق بشر را در زمان مخاصمه

31. Situation of detainees at Guantanamo Bay, Report of the Chairperson of the Working Group on Arbitrary Detention, Mr. Leandro Despouy; the Special Rapporteur on torture and other cruel, inhuman or degrading treatment or punishment, Ms. Asma Jahangir and the Special Rapporteur on the right of everyone to the enjoyment of the highest attainable standard of physical and mental health, Mr. Paul Hunt, ...: UN Doc. E/CN.4/2006/120 (15 Feb. 2006), para. 21.

32. Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion of 8 July 1996, ICJ Reports (1996) 240, para. 25.

33. Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Written Statement of the Government of the United States of America, at 42 – 46 (20 June 1995).

مسلحانه به طور کامل مستثنا می‌سازد، مفهومی بسیار گسترده‌تر از آنچه را که عموماً در رویه بین‌المللی پذیرفته شده است به معیار قانون خاص بخشیده است. همچنین از آن جهت که دولت امریکا بر این عقیده است که حقوق بین‌الملل بشردوستانه در حیطه وظایف گزارشگر ویژه نیست، نتیجه توأمان این خواهد بود که گزارشگر ویژه کلاً نقشی در زمان مخاصمه مسلحانه ایفا نمی‌کند.

این بخش با ارائه یک تحلیل جایگزین، که کارکرد معیار «قانون خاص» حاکم بر روابط میان حقوق بشر و حقوق بشردوستانه را که در حال حاضر [ این معیار ] در حقوق بین‌الملل اجرا می‌شود، چارچوب‌بندی کرده، به بررسی دو اقدام انتقادآمیز راجع به رویکرد ایالات متحده می‌پردازد. نخست، استدلال ما بر این است که ایالات متحده معیار قانون خاص را به طور نادرستی تفسیر می‌کند، چون این دولت معیار مزبور را بیش از آنکه در سطح مفاهیم و مقررات حقوقی خاص اعمال کند، در سطح کلی رژیم‌های حقوقی و عام اعمال می‌کند. ما معتقدیم که موضع فعلی ایالات متحده که حتی معیار قانون خاص مورد نظر دیوان را خارج از موضوع تفسیر می‌کند، نه تنها با مطالعه انجام شده توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص معیار «قانون خاص» مغایرت دارد، بلکه حتی با استدلالی که امریکا در بیانیه کتبی خود که در مورد نظر مشورتی دیوان در قضیه سلاح‌های هسته‌ای صادر کرده بود نیز مغایر است. دوم، این‌طور استنباط می‌شود که جهت ادامه دادن به ایراد اول، ایالات متحده باید تصمیمات ارگان‌های بین‌المللی ذی‌صلاح متعدد، از قبیل کمیسیون حقوق بین‌الملل، رویه قضایی آتی دیوان بین‌المللی دادگستری، تصمیمات و استنتاجات کمیته حقوق بشر و فعالیت کمیسیون حقوق بشر و کلاً تمام نهادهایی که در یافته‌های خود به این نتیجه رسیده‌اند که حقوق بشردوستانه و حقوق بشر مکمل هم هستند را یا نادیده بگیرد یا رد کند.

برای درک این مطلب که چرا مفهوم قانون خاص در مناسبات میان هنجارهای خاص در رژیم‌های حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بیش از روابط میان هریک از این رژیم‌ها در کل کاربرد دارد، لازم است نظر دیوان بین‌المللی دادگستری را در این زمینه به‌طور کلی مورد مطالعه قرار دهیم. دیوان در نظر مشورتی خود در قضیه سلاح‌های هسته‌ای اظهار داشت:

«سلب خودسرانه حیات در یک مخاصمه مسلحانه «باید براساس قانون خاص قابل اعمال و از جمله قانون قابل اعمال در زمان مخاصمات مسلحانه برای قاعده‌مند کردن نحوه رفتار متخاصمین تنظیم می‌شود، مشخص گردد».<sup>۳۴</sup>

موضع ایالات متحده این طور نشان می‌دهد که اظهار نظر [دیوان]، این مفهوم را تأیید می‌کند که رژیم حقوق بین‌الملل بشردوستانه در زمان مخاصمه مسلحانه به‌طور کامل جایگزین رژیم

34. See *supra* note 32 and accompanying text.

حقوق بشر می‌شود. این یک برداشت اشتباه از اظهار نظر دیوان در خصوص معیار قانون خاص است، چون این برداشت، خارج از موضوع بوده و بدون توجه به ادامه پاراگرافی که این موضوع در آن بیان شده، مطرح گردیده است. پاراگراف مزبور در رأی مشورتی سلاح‌های هسته‌ای اشعار می‌دارد:

«دیوان معتقد است که حمایت از میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در مواقع جنگ متوقف نمی‌شود، بجز در مواقعی که در چارچوب اجرای ماده ۴ میثاق، امکان دارد مقررات خاصی از میثاق در زمان بروز حالت اضطراری در داخل به حالت تعلیق در بیاید. با این حال، احترام و رعایت حق بر حیات، مشمول چنین مقرراتی نمی‌شود؛ چرا که حق حیات در زمره حقوق غیرقابل تعلیق قرار دارد. اصولاً حق بر منع سلب خودسرانه حیات یک انسان در زمان مخاصمات مسلحانه نیز اجرا می‌شود. در هر حال، معیار اینکه چه عملی سلب خودسرانه حیات محسوب می‌شود، باید توسط قانون خاص قابل اجرا و از جمله قانون قابل اعمال در زمان مخاصمه مسلحانه که برای تحت قاعده درآوردن رفتار متخاصمین طراحی می‌شود، تعیین گردد. بنابراین، قضاوت راجع به اینکه آیا در یک مورد خاص از دست دادن حیات از طریق کاربرد سلاحی ویژه در جنگ، نقض ماده ۶ میثاق از طریق سلب خودسرانه حیات محسوب می‌شود یا نه، تنها می‌تواند با توسل به قانون قابل اعمال در زمان مخاصمه مسلحانه مشخص گردد نه با استنتاج از شرایط و مقررات خود میثاق».<sup>۳۵</sup>

از این رو، دیوان در این نظر مشورتی در جمله آغازین، این اصل فائقه را اظهار می‌دارد که در حقیقت، میثاق در زمان مخاصمه مسلحانه نیز به حیات خود ادامه می‌دهد و به‌ویژه تأکید مجدد دارد که «حق بر منع سلب خودسرانه حیات انسان در زمان مخاصمات نیز اجرا می‌شود». دیوان سپس تصریح می‌کند که اظهار نظرش در مورد معیار قانون خاص در حد تفسیر مقررات حقوق بشری فردی، از قبیل منع سلب خودسرانه حیات به کار می‌رود. ایالات متحده نیز چنین مفهوم تفسیری را به معیار قانون خاص داده است، با این تفاوت که این دولت، رژیم حقوقی حقوق بین‌الملل بشر دوستانه را در طول یک مخاصمه مسلحانه، جایگزین رژیم حقوقی حقوق بشر می‌کند که البته این رهیافت با توجه به مفاد نظر مشورتی گفته شده موجه نمی‌نماید.

در واقع ایالات متحده در لوایح کتبی که در قضیه سلاح‌های هسته‌ای به دیوان ارائه کرد، این تفسیر مضیق‌تر را در مورد معیار قانون خاص مطرح کرد.<sup>۳۶</sup> آمریکا در لوایح مکتوب خود بیش از آنکه در مورد جایگزین کردن کامل حقوق بین‌الملل بشر دوستانه به جای حقوق بشر سخن بگوید، در مورد معیار قانون خاص که در سطح مقررات حقوق بشری فردی و به‌طور

35. Nuclear Weapons, *supra* note 32, at 240, para. 25.

36. Nuclear Weapons Advisory Opinion, Written submission of the United States, *supra* note 33, at 42-46.

مشخص در خصوص ماهیت «سلب خودسرانه حیات» مندرج در ماده ۶ میثاق به کار می‌رود، به بحث پرداخت. <sup>۳۷</sup> این دقیقاً همان اجرای معیار قانون خاص است که دیوان، آن قاعده را در نظر مشورتی خود در قضیه مزبور پذیرفت.

در تحقیق جامعی که آقای مارتی کسکنیمی <sup>۳۸</sup> درباره کارکرد و دامنه شمول قاعده قانون خاص برای کمیسیون حقوق بین‌الملل در گزارش خود در خصوص «ازهم‌گسیختگی حقوق بین‌الملل» انجام داد، تحلیل مشابهی مطرح شد. وی با استناد به بخشی از نظر مشورتی دیوان در قضیه سلاح‌های هسته‌ای اظهار داشت:

«با وجود اینکه معیار قانون خاص نیز به‌صورتی عمل می‌کند که توسل به یک استثنا را قانونی جلوه دهد، آنچه با وجود این استثنا به حاشیه رانده می‌شود به‌طور کامل زائل نمی‌گردد. دیوان به دنبال این بود که اعلام کند قواعد حقوق بشر در زمان مخاصمه مسلحانه به حیات خود ادامه می‌دهد. این استثنای حقوق بشردوستانه، تنها یک جنبه حقوق بشر را (به رغم اهمیت آن) تحت‌الشعاع قرار می‌دهد که به‌طور مشخص، ارزیابی نسبی میزان «خودسرانه بودن» است. منظور از کاربرد معیار قانون خاص، تأیید این نظر نبوده که حقوق بشر در زمان جنگ متوقف می‌شود. اجرای این معیار از وظایف رسمی دیوان نیست، بلکه جنبه‌ای از استدلال عملی آن به حساب می‌آید.» <sup>۳۹</sup>

دیوان متعاقباً مطابق با این تفسیر در موضع خود تغییراتی داده است. دیوان در نظر مشورتی‌اش در قضیه آثار حقوقی ایجاد دیوار حائل در سرزمین فلسطین اشغالی اعلام کرد:

«حمایت انجام شده به‌وسیله کنوانسیون‌های حقوق بشری در زمان مخاصمه مسلحانه به حال تعلیق در نمی‌آید، بلکه مقررات راجع به نقض مصادیقی از حقوق بشر که در ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی قید شده، همچنان معتبر و مجرا باقی می‌مانند. لذا با نظر به رابطه بین حقوق بین‌الملل بشر دوستانه و حقوق بشر، سه وضعیت عملی پیش می‌آید: بخشی از

37. *Ibid.*, at 44:

(در رابطه با ممنوعیت مندرج در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در مورد سلب خودسرانه حیات یک فرد، تدوین‌کنندگان دریافته‌اند که باید موارد سلب قانونی حیات را از این ممنوعیت مستثنا سازند. در طول مذاکره راجع به متن ماده ۶ میثاق، هیأت‌های نمایندگی کشورهای مختلفی علاقه‌مندی خود را به گنجاندن یک مقرر صریح اعلام داشتند که براساس آن، در اوضاع و احوال خاصی، سلب حیات یک فرد، نقض تعهد عام حمایت از حق حیات محسوب نخواهد شد، از قبیل اعدام‌هایی که به‌طور مشروع در زمان جنگ به‌وسیله نظامیان ارتکاب می‌یابند).

38. Marti Koskeniemi

39. Study on the 'Function and Scope of the lex specialis rule and the question of "self-contained regimes"': Preliminary report by Mr. Martti Koskeniemi, Chairman of the Study Group, International Law Commission, Study Group on Fragmentation of International Law: Difficulties arising from the diversification and expansion of international law, UN Doc. ILC(LVI)/SG/FIL/CRD.1 and Add.1, para. 76.

این حقوق ممکن است منحصرأ در حقوق بشردوستانه موضوعیت بیابند؛ برخی دیگر نیز امکان دارد صرفأ در حقوق بشر مطرح شوند؛ موارد دیگر نیز می‌توانند موضوع هر دو شاخه فوق در حقوق بین‌الملل باشند».<sup>۴۰</sup>

دیوان در این قضیه، اصل تکمیلی بودن [حقوق بین‌الملل بشر دوستانه و حقوق بشر] و نیز معیار قانون خاص را در یک بند آورد و صریحاً ذکر کرد که اصل تکمیلی بودن به موازات معیار قانون خاص اجرا می‌گردد.<sup>۴۱</sup> در قضیه کنگو علیه اوگاندا<sup>۴۲</sup> که دیوان موارد نقض جداگانه حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بشر را احراز کرد تکمیلی بودن این دو شاخه حقوق بین‌الملل را مجدد مورد تأکید قرار داد و قاطعانه اعلام کرد که اجرای حقوق بین‌الملل بشردوستانه در طول یک مخاصمه مسلحانه به‌طور کامل جایگزین حقوق بشر نمی‌شود.<sup>۴۳</sup> اهمیت رأی اخیر دیوان را باید از دو منظر مورد تأکید قرار داد. اول اینکه دیوان تئوری تکمیلی بودن حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بشر را که قبلاً فقط در قالب یک نظریه مشورتی غیرالزام‌آور (در قضیه سلاح‌های هسته‌ای) مورد شناسایی قرار داده بود، در حال حاضر در یک مورد توافقی و با صدور یک حکم الزام‌آور پذیرفته است. نکته دوم اینکه موارد نقض جداگانه حقوق بشردوستانه و حقوق بشر، نه تنها در استدلال دیوان به چشم می‌خورد، بلکه این موضوع به حکم دیوان<sup>۴۴</sup> که الزام‌آور بوده و از اعتبار امر مختومه برخوردار است نیز تسری یافته است.<sup>۴۵</sup> دیدگاه‌های دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص مکمل بودن حقوق بشردوستانه و حقوق بشر، یافته مختص به خود دیوان نیست. رهیافتی که براساس آن، حقوق بین‌الملل بشردوستانه در زمان یک مخاصمه مسلحانه در راستای مستثنا کردن حقوق بشر گام برمی‌دارد، با یافته نهادهای ذی‌صلاح متعددی همچون کمیسیون حقوق بین‌الملل، کمیته حقوق بشر ملل متحد، کمیسیون حقوق بشر ملل متحد، دیوان اروپایی حقوق بشر، کمیسیون افریقایی حقوق بشر و خلق‌ها، کمیسیون امریکایی حقوق بشر،

40. Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion of 9 July 2004, ICJ Reports (2004), para. 106 (emphasis added).

41. *Ibid.*, at para. 106.

42. Armed Activities on the Territory of the Congo (*Democratic Republic of the Congo v. Uganda*), ICJ Reports(2005), para. 216.

43. *Ibid.*, at paras 216 – 20, 345(3).

44. *Ibid.*, at para. 345(3).

45. See Statute of the International Court of Justice, Articles 56, 59, 25 June 1945, 33 UNTS 993 (clarifying that the ‘ judgment ’ shall contain ‘ reasons ’ but that only the ‘ decision ’ will have binding effect between the parties); Interpretation of Judgments Nos. 7 and 8 (Factory at Chorzow), Judgment No. 11, 1927, PCIJ, Series A, No. 13, at 24, dissenting opinion of Judge Anzilotti (‘ It is certain that the binding effect attaches only to the operative part of the judgment and not to the statement of reasons. The grounds of a judgment are simply logical arguments, the aim of which is to lead up to the formulation of what the law is in the case in question ’).

شورای امنیت ملل متحد، مجمع عمومی ملل متحد و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در تضاد قرار دارد. ما در این قسمت، یافته‌های این نهادها را تا حدی که مستقیماً به ادعای مطرح شده توسط دولت ایالات متحده مربوط هستند به‌طور مختصر مورد بررسی قرار می‌دهیم.

نخست اینکه موضع فعلی ایالات متحده با رهیافتی که کمیسیون حقوق بین‌الملل اخیراً در برنامه‌کاری خود در زمینه تأثیر مخاصمات مسلحانه بر معاهدات اتخاذ کرده و در آن به قابلیت اجرایی حقوق بشر در زمان یک مخاصمه مسلحانه اشاره کرده در تضاد است. در این مورد، قابلیت اجرایی حقوق بشر در طول مخاصمات مسلحانه به‌طور جداگانه توسط دولت‌ها،<sup>۴۶</sup> گزارشگر ویژه در زمینه تأثیرات مخاصمات مسلحانه بر معاهدات<sup>۴۷</sup> و اداره حقوقی دبیرخانه ملل متحد<sup>۴۸</sup> مورد تأیید قرار گرفت. در سال ۲۰۰۷، گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بین‌الملل، پیش‌نویس جدیدی از ماده ۶ را با عنوان «حقوق قابل اجرا در مخاصمات مسلحانه» ارائه کرد که بیان می‌داشت:

«اجرای... معاهدات حقوق بشری... در زمان مخاصمه مسلحانه ادامه می‌یابد، اما این اجرا باید با ارجاع به قانون خاص قابل اعمال در زمان مخاصمات مسلحانه محرز گردد».<sup>۴۹</sup>

گزارشگر ویژه در زمان ارائه این پیش‌نویس اشعار داشت که این پیش‌نویس مخصوصاً با انگیزه پاسخ به اظهارنظرهایی تدوین شده که ایالات متحده در مورد مجموعه قبلی پیش‌نویس مواد در کمیته ششم مجمع عمومی ایراد کرده بود.<sup>۵۰</sup> در آن اظهارنظرها، ایالات متحده صریحاً

46. Official Records of the General Assembly, 60th sess., Supp. No. 10 (A/60/10), para. 172 ('The view was expressed [by governments] that the category of treaties in subparagraph (d) [human rights treaties] was one in which there probably was a good basis for continuity [during armed conflict], subject to the admonition of the International Court of Justice, in the Nuclear Weapons Advisory Opinion, that such rights were to be applied in accordance with the law of armed conflict').

47. Second report on the effects of armed conflicts on treaties by Mr. Ian Brownlie, Special Rapporteur, ILC, 58th sess., UN Doc. A/CN.4/570, paras 30, 41, Draft Art. 7(2)(d) (16 June 2006).

48. The effect of armed conflict on treaties: an examination of practice and doctrine: Memorandum by the Secretariat, UN Doc. A/CN.4/550, para. 32 ('[I]t is well-established that non-derogable provisions of human rights treaties apply during armed conflict').

49. Third report on the Effects of Armed Conflicts on Treaties, by Mr Ian Brownlie, Special Rapporteur, UN Doc. A/CN.4/578 (1 March 2007), para. 29 (emphasis added). The working-group recommended that draft Article 6 bis be deleted and that the subject-matter be reflected in the commentaries, possibly to draft Article 7. Report of the Working-Group, Effects of Armed Conflicts on Treaties, ILC, 59th sess., UN Doc. A/ CN.4/L, however, 718, p. 4 (24 July 2007). The fact that it recommended that the material appear in the commentaries, however, makes clear that it views the legal principles themselves as correct. It appears that the move was motivated, rather, out of a feeling that the article was 'strictly speaking, redundant'. See Report of the International Law Commission at its 59th sess., UN Doc. A/62/10, at 165, para. 299.

50. *Ibid.*, at p. 11, para. 30, n. 58.



اعلام کرد:

«برخی اصول راجع به حقوق بشر و محیط زیست در زمان مخاصمه مسلحانه از اجرا باز نمی‌ایستند».<sup>۵۱</sup>

تفسیر موسع قاعده قانون خاص بدین بیان که حقوق بشر دوستانه در زمان جنگ در جهت مستثنا کردن اجرای حقوق بشر گام بر می‌دارد با یافته‌های کمیته حقوق بشر و کمیسیون حقوق بشر نیز در تضاد قرار دارد. در رابطه با کمیته حقوق بشر، این کمیته در تفسیر عام شماره ۲۹ خود بیان داشت:

«میثاق لازم دانسته که حتی در زمان مخاصمه مسلحانه، تخلف از میثاق در وضعیتی مجاز شمرده می‌شود که در این وضعیت، خطری نسبت به حیات یک ملت به وجود آید».<sup>۵۲</sup>

و در تفسیر عام شماره ۳۱ نیز ابراز کرد:

«هرچند راجع به برخی از حقوق مندرج در میثاق، قواعد مختص به حقوق بین‌الملل بشردوستانه ممکن است در مورد تفسیر این مصادیق از حقوق مطرح باشند، اما هر دو حوزه فوق در حقوق بین‌الملل به جای اینکه متقابلاً مانع‌الجمع باشند، مکمل یکدیگر هستند».<sup>۵۳</sup>

کمیسیون حقوق بشر که متهم به بی‌توجهی به مأموریت گزارشگر ویژه بود (تا اینکه در سال ۲۰۰۶ شورای حقوق بشر جانشین آن شد)<sup>۵۴</sup> نیز صریحاً مکمل بودن حقوق بشر و حقوق بشردوستانه را مورد تأیید قرار داده است. برای مثال در قطعنامه ۲۰۰۵/۳۴ در خصوص اعدام‌های فراقانونی، فوری یا خودسرانه، کمیسیون صراحتاً اعلام کرد:

«حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه مکمل یکدیگرند، نه اینکه مانع‌الجمع باشند».<sup>۵۵</sup>

در قطعنامه ۲۰۰۵/۶۳ در مورد حمایت از حقوق بشر افراد غیرنظامی در مخاصمات مسلحانه،

---

51. UNGA, Sixth Cmt., summary record of the 20th mtg., 3 Nov. 2005, statement of the United States, UN Doc. A/C.6/60/SR.20, at 6, para. 33 (29 Nov. 2005).

52. Human Rights Committee, General Comment No. 29 (2001) on Derogations During a State of Emergency, UN Doc. CCPR/C/21/Rev.1/Add.11, para. 3 (24 July 2001).

53. Human Rights Committee, General Comment No. 31 (2004) on the Nature of the General Legal Obligation Imposed on States Parties to the Covenant (Art. 2), UN Doc. CCPR/C/21/Rev.1/Add.13, para. 11 (26 May 2004).

54. به قسمت ۳ (ج) ذیل رجوع کنید.

55. Resolution 2005/34 on Extrajudicial, Summary, or Arbitrary Executions, preamble (19 April 2005).

## کمیسیون تأکید کرد:

«عملی که حقوق بین‌الملل بشردوستانه را نقض می‌کند، از قبیل موارد نقض فاحش کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو و یا پروتکل اول الحاقی مربوط به حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی (۸ ژوئن ۱۹۷۷) می‌تواند موجب نقض فاحش حقوق بشر نیز بشود».<sup>۵۶</sup>

همچنین محاکم بین‌المللی متعددی اعلام کرده‌اند که نه تنها قواعد حقوق بشر در طول یک مخاصمه مسلحانه به حیات خود ادامه می‌دهند، بلکه حتی در تحقیقاتشان در مورد برخی از مخاصمات، به‌طور مستقیم اقدام به بررسی رعایت حقوق بشر در هر مورد کرده‌اند. نخست، دیوان اروپایی حقوق بشر در سال ۲۰۰۵ در دو پرونده، مستقیماً کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را نسبت به درگیری مسلحانه در چین به کار گرفت.<sup>۵۷</sup> این نگرش دیوان با رویه و عملکرد دولتی نیز منطبق است. هرچند کنوانسیون اروپایی حقوق بشر برخلاف میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، نقض حق حیات را در زمان مخاصمات مسلحانه اجازه می‌دهد، اما تا به حال هیچ دولتی مبادرت به چنین کاری نکرده است. روسیه، ترکیه و انگلستان، همگی عملکرد خود را در مخاصمات مسلحانه داخلی با استناد به خود کنوانسیون مورد دفاع قرار داده‌اند.<sup>۵۸</sup> کمیسیون افریقایی حقوق بشر و خلق‌ها و نیز منشور افریقایی حقوق بشر و خلق‌ها راجع به موارد نقض حقوق بشر در مخاصمه مسلحانه داخلی در چاد را اجرا کرده است.<sup>۵۹</sup> کمیسیون امریکایی حقوق بشر نیز کنوانسیون امریکایی حقوق بشر را نسبت به درگیری مسلحانه در السالوادور اجرا کرد.<sup>۶۰</sup> این کمیسیون همچنین در قضیه دیگری اظهار داشت که «معاهدات حقوق بشری هم در زمان صلح و هم در وضعیت‌های مخاصمه مسلحانه قوت اجرایی دارند».<sup>۶۱</sup> نهایتاً در مطالعه اخیری که با حمایت‌های کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در مورد حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی صورت

56. Resolution 2005/63 on Protection of the Human Rights of Civilians in Armed Conflicts (20 April 2005).

57. *Isayeva, Yusupova and Bazayeva v. Russia*, ECtHR, App. Nos 57947-49/00 (24 Feb. 2005); *I sayeva v. Russia* ECHR, App. No. 57950/00 (24 Feb. 2005). For a detailed treatment, see Abresch, 'A Human Rights, Law of Internal Armed Conflict: The European Court of Human Rights in Chechnya', 16 EJIL (2005) 741.

58. Abresch, *supra* note 56, at 745.

59. African Commission on Human and Peoples' Rights, *Civil Liberties Organisation v. Chad* (74/92), Decision, 11 Oct. 1995, § 22 (discussed in J.-M. Henckaerts and L. Doswald-Beck, *Customary International Humanitarian Law*, vol. II, Part 2, at 2098, § 940).

60. Henckaerts and Doswald-Beck, *supra* note 58, at 314, n. 77 (citing Inter-American Commission on Human Rights, Case 6724 (El Salvador), Resolution, 5 March 1985, §§ 1-2; Case 10.190 (El Salvador), Resolution, 4 Feb. 1992, preamble and § 1; case 10.284 (El Salvador), Resolution, 4 Feb. 1992, § 1).

61. *Juan Carlos Abella v. Argentina*, Inter-American Commission on Human Rights, Case 11/137, Doc. OEA/Ser. L/V/II.98, para. 158 (13 April 1998).

گرفت، اعلام گردید:

«عملکرد وسیع دولتی مبین این است که نظام حقوق بشر باید در طول مخاصمات مسلحانه اجرا گردد».<sup>۶۲</sup>

در این تحقیق بیان شد که با رویه‌ای که با قطعنامه ۲۶۷۵<sup>۶۳</sup> مورخه ۱۹۷۰ مجمع عمومی در پیش گرفته شده، محکوم کردن نقض‌های حقوق بشر که در طول مخاصمات مسلحانه اتفاق می‌افتند به رویه‌ای معمول و مشترک در قطعنامه‌های مجمع عمومی، شورای امنیت و کمیسیون حقوق بشر تبدیل شده است. مطالعه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به‌ویژه قطعنامه‌هایی که نقض‌های حقوق بشری ارتکاب یافته در طول مخاصمات مسلحانه در افغانستان، عراق، سودان، روسیه، یوگسلاوی سابق و اوگاندا را محکوم می‌کنند، مورد اشاره قرار می‌دهد.<sup>۶۴</sup> از جمله این قطعنامه‌ها می‌توان به قطعنامه ۱۵۹۲ راجع به مخاصمه مسلحانه در جمهوری دموکراتیک کنگو اشاره کرد.<sup>۶۵</sup>

محکوم کردن نقض حقوق بشر در طول مخاصمات مسلحانه از سوی کمیسیون حقوق بشر ملل متحد و در ارتباط با مأموریت گزارشگر ویژه کمیسیون در مورد اعدام‌های فراقانونی، فوری یا خودسرانه نیز در پیش گرفته شده است. کمیسیون در قطعنامه ۲۰۰۲/۳۶ «نگرانی شدید خود را در مورد وقوع مستمر نقض حق حیات که در گزارش گزارشگر ویژه، نقض حق حیات در زمان مخاصمه مسلحانه به‌عنوان یک موضوع در خور توجه ویژه مورد تأکید قرار گرفته است، اعلام داشت».<sup>۶۶</sup> اگر کمیسیون، قواعد حقوق بشر را در زمان مخاصمه مسلحانه غیرقابل اجرا می‌دانسته یا اینکه معتقد بوده نقض‌های حقوق بشر در زمان مخاصمات خارج از حیطه صلاحیت گزارشگر ویژه هستند، در آن صورت، مشکل می‌نماید که کمیسیون بتواند صریحاً این جنبه از گزارش را مورد تأیید و تأکید قرار دهد.

از این‌رو، طبق حقوق بین‌الملل موجود — که به‌وسیله دیوان بین‌المللی دادگستری، کمیسیون حقوق بین‌الملل، کمیته حقوق بشر، کمیسیون حقوق بشر، دیوان اروپایی حقوق بشر، کمیسیون

62. Henckaerts and Doswald-Beck, *supra* note 58, at 303.

63. GA Res. 2675 (XXV), 9 Dec. 1970.

64. Henckaerts and Doswald-Beck, *supra* note 58, at 303 (citing GA Res. 52/145, 12 Dec. 1997 (condemning human rights violations in Afghanistan armed conflict); Comm. Hum. Rts., Res. 1992/60, 3 Mar. 1992 (Iraq); Comm. Hum. Rts., Res. 1996/73, 23 April 1996 (Sudan); Comm. Hum. Rts., Res. 2000/58, 25 April 2000 (Russia); SC Res. 1034, 21 Dec. 1995 (former Yugoslavia); GA Res. 50/193, 22 Dec. 1995 (former Yugoslavia); Comm. Hum. Rts., Res. 1996/71, 23 April 1996 (former Yugoslavia); Comm. Hum. Rts., Res. 1998/75, 22 April 1998 (Uganda)).

65. Resolution 1592 on the situation concerning the Democratic Republic of Congo (30 March 2005), fifth preambular paragraph.

66. Comm. Hum. Rts., Res. 2002/34, para. 13(a) (22 April 2002).

امریکایی حقوق بشر، کمیسیون افریقایی حقوق بشر و خلق‌ها، شورای امنیت، مجمع عمومی و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ مورد تفسیر و اجرا قرار گرفته است. حقوق بشر در طول یک مخاصمه مسلحانه به موازات حقوق بین‌الملل بشردوستانه اجرا می‌شود. در مقابل، موضع ایالات متحده در قبال این مسئله از این حیث جالب توجه است که این دولت هیچ دلیل قانونی برای دفاع از رویکرد خود مبنی بر مستثنا شدن اجرای حقوق بشر در زمان مخاصمات و اجرای انحصاری حقوق بین‌الملل بشردوستانه به دست نمی‌دهد. احتمالاً اندکی زود خواهد بود که بخواهیم در مورد این رویکرد، دلیل قانونی ارائه دهیم، آن هم بدون حداقل تعارض با مواضعی که امریکا به‌طور صریح و بدون هیچ شک و شبهه‌ای در خصوص موضوعات خارج از چارچوب کاری فعلی شورای حقوق بشر اتخاذ کرده است، درحالی که عملکرد خود این نهاد می‌تواند جای بحث و انتقاد باشد.

#### ب) اختیارات شورای حقوق بشر و ساز و کارهای اجرای آن منحصر به حوزه حقوق بین‌الملل بشر نیستند

رهیافت مورد حمایت دولت امریکا بیان می‌دارد که نه تنها گزارشگر ویژه، بلکه کمیسیون حقوق بشر و خلف آن، شورای حقوق بشر نیز فاقد صلاحیت قانونی برای بررسی مسائل حقوق بین‌الملل بشر دوستانه هستند. بدین لحاظ دولت امریکا در نامه مورخ ۴ می ۲۰۰۶ به گزارشگر ویژه، آقای هیتام الیمینی، بیان داشت:

«به‌دلایل مذکور، کمیسیون و گزارشگر ویژه فاقد صلاحیت برای پرداختن به مسائل مربوط به حقوق مخاصمات مسلحانه هستند».<sup>۶۷</sup>

این اظهار نظر، اهمیت قابل توجهی دارد، بدین لحاظ که به‌طور ضمنی اشاره دارد که غالباً فجیع‌ترین وضعیت‌های درگیری در جهان امروزی خارج از حوزه صلاحیت شورای حقوق بشر اتفاق می‌افتند. در تحلیل این موضوع، ما صلاحیت کمیسیون و شورای حقوق بشر فعلی را در زمینه حقوق بین‌الملل بشردوستانه بررسی کرده، سپس صلاحیت گزارشگر ویژه را در این خصوص مورد بازبینی قرار می‌دهیم.

کمیسیون حقوق بشر در سال ۱۹۴۶ تأسیس شد و حداقل در ۲۰ سال اخیر به‌طور مرتب با حقوق بین‌الملل بشردوستانه به‌عنوان موضوعی که در حوزه صلاحیتش قرار دارد، برخورد کرده و این رویه از سوی رکن مؤسس کمیسیون - شورای اقتصادی و اجتماعی - که مأموریت آن را بدان اعطا می‌کند مورد حمایت واقع شده است. بنابراین برای مثال، در قطعنامه ۱۹۹۲/S-۱/۱ درمورد وضعیت حقوق بشر در یوگسلاوی سابق، کمیسیون «از تمامی دول عضو خواست که... رعایت

67. Letter dated 4 May 2006, *supra* note 22, at p. 4 (emphasis added).

کامل حقوق بشردوستانه را تضمین کنند»<sup>۶۸</sup> و متذکر شد که «دول عضو ملزم هستند که از تعهدات خود طبق حقوق بین‌الملل بشردوستانه و به‌ویژه کنوانسیون سوم ژنو در رابطه با رفتار با اسیران جنگی و کنوانسیون چهارم ژنو در مورد حمایت از افراد غیرنظامی در زمان جنگ و نیز پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو تبعیت کنند».<sup>۶۹</sup> متعاقباً شورای اقتصادی و اجتماعی نیز صریحاً این قطعنامه کمیسیون را مورد تأیید قرار داد.<sup>۷۰</sup>

همچنین در قطعنامه ۱۹۹۴/۷۲ نیز که باز هم در مورد یوگسلاوی سابق بود، کمیسیون «با قاطعیت کلیه موارد نقض حقوق بشری و حقوق بین‌الملل بشردوستانه ارتكابی از سوی تمامی طرفین را محکوم کرد».<sup>۷۱</sup> کمیسیون سپس قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه را نسبت به این وضعیت به کار گرفت و «تجاوزات عمدی و غیرقانونی مستمر و توسل به نیروی نظامی علیه غیرنظامیان و دیگر اشخاص مورد حمایت... غیررزمندگان،... و عملیات‌های امداد رسانی را محکوم کرد».<sup>۷۲</sup> شورای اقتصادی و اجتماعی با لحاظ کردن مفاد این قطعنامه، «درخواست کمیسیون را مبنی بر اینکه گزارشگر ویژه به ارائه گزارش‌های ادواری خود در زمینه اجرای قطعنامه ۱۹۹۴/۷۲ کمیسیون حقوق بشر ادامه دهد، تأیید کرد».<sup>۷۳</sup> شورا همچنین «درخواست کمیسیون راجع به اینکه دبیرکل اقداماتی را اتخاذ کند تا بتواند همکاری و مشارکت فعال تمام ارکان ملل متحد را برای اجرایی کردن قطعنامه ۱۹۹۴/۷۲ کمیسیون جلب کند، تأیید کرد».<sup>۷۴</sup> مجدداً شورای اقتصادی و اجتماعی بیش از آنکه کمیسیون را به خاطر صدور قطعنامه ۱۹۹۴/۷۲ به تجاوز از اختیارات خود محکوم کند، منابع مالی لازم و کافی را جهت اجرایی کردن این قطعنامه برای گزارشگر ویژه فراهم کرد و از تمام ارکان ملل متحد خواست که در اجرای آن مشارکت و همکاری کنند.

کمیسیون در قطعنامه S-3/1 (۲۵ می ۱۹۹۴) در خصوص وضعیت حقوق بشر در رواندا، «با الفاظی بسیار تند کلیه موارد نقض صورت گرفته در زمینه حقوق بین‌الملل بشردوستانه... در رواندا را محکوم کرد و از همه طرف‌های درگیر خواست که فوراً به این تجاوزات خاتمه دهند».<sup>۷۵</sup> کمیسیون در این قطعنامه همچنین «از دولت رواندا درخواست کرد تا... اقداماتی را برای

68. Comm. Hum. Rts., Res 1992/S-1/1, The situation of human rights in the territory of the former Yugoslavia, para. 1 (14 August 1992).

69. *Ibid.*, at para. 9.

70. ECOSOC Decision 1992/305 (18 Aug. 1992).

71. Comm. Hum. Rts., Res. 1994/72, Situation of human rights in the territory of the former Yugoslavia: violation of human rights in Bosnia and Herzegovina, Croatia and the Federal Republic of Yugoslavia (Serbia and Montenegro), para. 4 (9 Mar. 1994).

72. *Ibid.*, at para. 7.

73. ECOSOC Res. 1994/262 (22 July 1994).

74. *Ibid.*

75. Comm. Hum. Rts., Res. S-3/1, The situation of human rights in Rwanda, para. 1 (25 May 1994).

خاتمه دادن به کلیه موارد نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه توسط تمامی افراد تحت صلاحیت یا کنترل آن دولت اتخاذ کند».<sup>۷۶</sup> از طرفی شورای اقتصادی و اجتماعی نیز با صراحت این درخواست را تأیید کرد.<sup>۷۷</sup>

در قطعنامه ۱۹۹۶/۶۸، کمیسیون «از اسرائیل که سرزمین‌های جنوب لبنان و دره بکا را در اشغال خود داشت، درخواست کرد تا از کنوانسیون‌های ژنو (۱۹۴۹) و به‌ویژه کنوانسیون چهارم راجع به حمایت از افراد غیرنظامی در زمان جنگ تبعیت کند».<sup>۷۸</sup> شورای اقتصادی و اجتماعی نیز درخواست‌های کمیسیون از دبیرکل ملل متحد را در مورد اینکه قطعنامه مزبور را به استحضار رژیم صهیونیستی برساند و از این دولت بخواهد که اطلاعاتی را در باره میزان اجرای این قطعنامه ارائه دهد، مورد تأیید قرار داد.<sup>۷۹</sup> همان‌طور که این نمونه‌ها روشن می‌سازند، در طول حیات کمیسیون حقوق بشر، شورای اقتصادی و اجتماعی مکرراً و با قاطعیت این رویکرد را در پیش گرفت که هم رژیم حقوق بین‌الملل بشردوستانه و هم پدیده مخاصمه مسلحانه، هر دو در صلاحیت کمیسیون قرار دارند. باید به این نکته اذعان کرد که در تأسیس شورای حقوق بشر جدید به جای کمیسیون، مجمع عمومی هیچ اشاره خاصی که تصدیق‌کننده این‌گونه صلاحیت کمیسیون باشد، نداشته است.<sup>۸۰</sup> گرچه ممکن است ایالات متحده از این اقدام مجمع عمومی در نادیده انگاشتن صلاحیت مورد بحث چنین برداشت کند که این امر مبین گرایشی به سوی اتخاذ اقداماتی جدا از رویه سابق یا حتی در راستای رد این رویه است، ولی چنین برداشتی مستلزم این است که از طریق برخی شواهد موجود در مباحث ذی‌ربط مورد حمایت واقع شود. از آنجا که مسئله فوق هرگز مطرح نشد، لذا بسیار منطقی می‌نماید اگر ادعا کنیم که این موضوع به‌وسیله هیچ‌یک از هیأت‌های نمایندگی مورد اعتراض واقع نشده و صرفاً این‌طور فرض گردیده که شورای حقوق بشر در این زمینه به مانند بیشتر حوزه‌های دیگر، رویه‌ای را که کمیسیون در پیش گرفته بود، ادامه خواهد داد.

### ج) مأموریت گزارشگر ویژه محدود به حوزه حقوق بین‌الملل بشر نمی‌شود

قسمت قبلی مقاله حاضر، اگرچه به دنبال بیان این مسئله بود که کمیسیون و شورای حقوق بشر ملل متحد دائماً مدعی حق بررسی و نظارت بر اجرای حقوق بین‌الملل بشردوستانه به مانند حقوق بشر بوده‌اند، ولی سؤالی که هنوز بدون جواب باقی مانده این است که آیا صلاحیت گزارشگر ویژه در زمینه اعدام‌های فراقانونی، فوری یا خودسرانه به هر دو حوزه حقوق بین‌الملل

76. *Ibid.*

77. ECOSOC Decision 1994/223 (6 June 1994).

78. Comm. Hum. Rts., Res. 1996/68, Human rights situation in southern Lebanon and West Bekaa, para. 3 (23 April 1996).

79. ECOSOC Decision 1996/274 (23 July 1996).

80. GA Res. 60/251 (3 April 2006).

گسترش می‌یابد یا خیر. راهبردی که ایالات متحده در این خصوص در پیش گرفته است، دارای یک مبنای استدلالی روشمند و یا توسعه‌یافته نیست که به‌طور صریح بیانگر دلایل این دولت باشد که چرا با چنین صلاحیتی مخالفت می‌کند. به رغم این امر، به نظر می‌رسد باید حداقل سه فرض اصلی و عمده را که مؤید راهبرد ایالات متحده هستند، در نظر گرفت. مورد نخست این است که نهادهایی که در خصوص قواعد حقوق بین‌الملل بشر فعالیت می‌کنند، بر اجرای حقوق بشر احتمالاً از هر دو جنبه معاهده‌ای و عرفی آن متمرکز می‌شوند. دومین مورد این است که چنین فرضی نمی‌تواند به‌وسیله رویه دولتی مستمر جایگزین یا کنار گذاشته شود، و سوم این که توسعه یک رویه مستمر به‌وسیله گزارشگر ویژه با توجه به حقوق بین‌الملل بشر دوستانه، تحت هیچ شرایطی نمی‌تواند فقدان صلاحیت ذاتی اعطا شده به کمیسیون حقوق بشر را در ارجاع صریح به مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه جبران کند. این عناصر تا اندازه‌ای به همدیگر مرتبط هستند، اما با وجود این در اینجا هدف این نیست که آنها را به ترتیب مورد بررسی قرار دهیم.

بنابراین، عنصر اول این است که نهادهایی که در زمینه حقوق بین‌الملل بشر فعالیت دارند به اجرای حقوق بشر محدود می‌شوند و لذا به‌عنوان مثال، اگر فرضاً معاهدات مختلفی که رژیم حقوقی حقوق بشر بین‌الملل را بنیان می‌نهند، حقیقتاً در طول مخاصمه مسلحانه قابل اعمال نبودند، در این صورت، ساز و کارهای خاص<sup>۸۱</sup> و مراجع بین‌المللی دارای این ساز و کارها<sup>۸۲</sup> همگی فاقد صلاحیت برای عکس‌العمل نسبت به وضعیت‌های مخاصمات بودند. با این حال، چنین تحلیلی حتی در رابطه با نهادی که با هدف نظارت بر اجرای معاهده بخصوصی تأسیس می‌شود، صدق نمی‌کند. پس صلاحیت مستقیم کمیته حقوق بشر به‌طور واضح به ادعاهای راجع به «نقض هر یک از حقوق مندرج» در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی از سوی هریک از دول عضو میثاق محدود می‌شود.<sup>۸۳</sup> اما حتی این مورد نیز کمیته را از توجه به تعهدات یک دولت عضو برطبق دیگر اسناد بین‌المللی، از قبیل اسناد مربوط به حقوق بین‌الملل بشردوستانه، به‌منظور تفسیر تعهدات آن دولت براساس میثاق باز نمی‌دارد.<sup>۸۴</sup> این موضوع در مورد محاکم منطقه‌ای حقوق بشر نیز صدق می‌کند، هرچند دامنه معاهداتی که این نهادها بر آنها دارای صلاحیت نظارتی هستند، به‌طور قابل توجهی از مرجعی به مرجع دیگر متفاوت است. دیوان اروپایی حقوق

۸۱. مانند ساز و کار آیین دادخواهی فردی نزد نهادهای جهانی و منطقه‌ای حمایت‌کننده از حقوق بشر.

۸۲. شامل تمامی نهادها و ساز و کارهای جهانی و منطقه‌ای حمایت از حقوق بشر.

83. Optional Protocol to the International Covenant on Civil and Political Rights, Art. 1.

84. General Comment 29, *supra* note 51, para. 10:

(هرچند این موضوع وظیفه کمیته حقوق بشر نیست که بر اجرای تعهدات بین‌المللی دول عضو براساس دیگر معاهدات بین‌المللی نظارت کند، ولی در اجرای وظایف خود براساس میثاق، کمیته این صلاحیت را دارد که در زمان بررسی این مسئله که آیا میثاق به دول عضو اجازه تخطی از برخی مفاد آن را داده یا نه، دیگر تعهدات بین‌المللی دول عضو را مورد لحاظ قرار دهد).

بشر صرفاً به شکایات مربوط به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و پروتکل‌های الحاقی آن رسیدگی می‌کند، در حالی که دیوان امریکایی حقوق بشر و دیوان آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها، دارای صلاحیت‌های وسیع‌تری هستند.<sup>۸۵</sup> نتیجه‌ای که باید از رویه و عملکرد ثابت تمام این نهادها گرفت، این است که حتی وقتی یکی از این نهادها صلاحیت نظارت بر یکی از شاخه‌های مذکور حقوق بین‌الملل از جمله حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بشر را ندارد، این نهاد می‌تواند آن بخش از حقوق بین‌الملل را در برخی شرایط در رسیدگی‌های خود مورد لحاظ قرار دهد. این استنتاج در اظهارنظر سال ۱۹۹۸ کمیسیون امریکایی حقوق بشر تبیین شده که در آن، کمیسیون اظهار داشت: «این رکن ضرورتاً باید موازین مشخص و قواعد مربوط حقوق بشر دوستانه را به‌عنوان منابعی برای دستورالعمل‌های آمرانه در قطعنامه خود که به موارد نقض ادعایی کنوانسیون امریکایی در وضعیت‌های مخاصمه می‌پردازد، مورد توجه قرار داده و اعمال کند».<sup>۸۶</sup>

در هر حال، با توجه به ارکانی مثل کمیسیون حقوق بشر و شورای حقوق بشر، علت این امر چندان پیچیده و بغرنج نیست. هیچ‌کدام از این ارکان به‌عنوان یک رکن قضایی یا شبه قضایی که بتواند به شکایات ناشی از هر سند حقوقی خاصی رسیدگی و حکم صادر کند، تأسیس نشد. در مقابل، این ارکان به‌منظور تحقق بخشیدن به تعهد عام مندرج در منشور ملل متحد در رابطه با «ارتقا و تشویق احترام به حقوق بشر از طریق فعالیت‌های مختلف» تأسیس گردیدند.<sup>۸۷</sup> چنین مأموریتی، هم به لحاظ منطقی و هم از نظر تاریخی نسبت به این موضوع که دولت‌ها در خصوص حقوق بشر چه تعهدات معاهده‌ای دارند، مقدم است. در واقع، معاهدات بین‌المللی بنیادی در زمینه حقوق بشر، به‌ویژه میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در آغازین سال‌های حیات کمیسیون حقوق بشر توسط این رکن تدوین شدند.<sup>۸۸</sup> متعاقباً کمیسیون، استنادات متعددی به این اسناد انجام داد، اما هرگز این اسناد را بدان‌گونه که یک سازمان ممکن است مقررات یا اساسنامه خود را برای خود محدودکننده بداند، عامل تحدید صلاحیتش ندانست. بنابراین، به‌عنوان مثال در دهه ۸۰ میلادی، زمانی که کار گروه کمیسیون حقوق بشر، پیش‌نویس کنوانسیون حقوق کودک را آماده کرد این پیش‌نویس ماده‌ای

85. See generally D. Shelton, *Regional Protection of Human Rights* (2008).

86. *Abella v. Argentina*, *supra* note 60 at para. 161.

87. UN Charter, Art. 1(3):

این تعهد در مقدمه قطعنامه ۶۰/۲۵۱ مجمع عمومی در ۳ آوریل ۲۰۰۶ در مورد تأسیس شورای حقوق بشر مورد اشاره قرار گرفت. قطعنامه راجع به تأسیس کمیسیون حقوق بشر به ماده ۶۲(۲) منشور اشاره می‌کند که به شورای اقتصادی اجتماعی این صلاحیت را اعطا می‌کند که در راستای ارتقای احترام و رعایت حقوق بشر، توصیه‌نامه‌هایی را صادر کند:

(ECOSOC Res. 1/5 (16 Feb. 1946), section A, para. 1).

88. Alston, 'The Commission on Human Rights', in P. Alston (ed.), *The United Nations and Human Rights: A Critical Appraisal* (1992) 126.



داشت که سربازگیری یا استخدام کودکان سرباز و مشارکت آنها در مخاصمه را منع می‌کرد، که این ممنوعیت‌ها به‌طور واضح در طول مخاصمات مسلحانه اعمال می‌شوند.<sup>۸۹</sup> پروتکل الحاقی به کنوانسیون حقوق کودک در مورد شرکت کودکان در مخاصمات مسلحانه، این حمایت را بیشتر توسعه داد.<sup>۹۰</sup> بنابراین، کمیسیون و در حال حاضر شورای حقوق بشر، همواره مأموریت محول به خود را با اعمال یک نظام نظارتی گسترده و مبتنی بر منشور نسبت به موارد نقض حقوق بشر اجرا کرده است، صرف‌نظر از اینکه آیا آنها با این کار تعهدات معاهده‌ای دولت خاصی را نقض کرده‌اند یا خیر.<sup>۹۱</sup> یکی از مهم‌ترین روش‌هایی که شورا از طریق آن، نظام نظارتی‌اش را اجرا کرده، ایجاد ساز و کارهای خاص در ارتباط با کشورها و صلاحیت‌های موضوعی بوده است.

قابل ذکر است که اگرچه ساز و کارهای خاص عمده‌تاً براساس حقوق بین‌الملل تأسیس شده‌اند تا هم مشخص سازند که چه مسائل و وقایعی بیشترین توجه کمیسیون و شورای حقوق بشر را به خود جلب خواهند کرد و اینکه چگونه به‌طور بسیار مؤثر دولت‌ها را تحت فشار بگذارند که به موارد نقض حقوق بشر خاتمه دهند، تصمیم‌گیری نکنند. علاوه بر این، چنین ساز و کارهایی براساس مجموعه‌ای از اسناد حقوقی غیرالزام‌آور که توسط کمیسیون و دیگر ارگان‌های ذی‌ربط، در این زمینه تصویب شده‌اند نیز ایجاد گردیده‌اند. در واقع، آن قبیل قطعنامه‌های کمیسیون که مأموریت ساز و کارهای خاص آن را معین می‌کنند، مرتباً یک نظام نظارتی را مطرح کرده‌اند که می‌توانند حتی از محدوده تعهدات حقوقی آن دولت‌هایی که تمام معاهدات مربوط را تصویب کرده‌اند، فراتر بروند. برای مثال در حقوق بین‌الملل، مقررات چندان روشنی در مورد افراد آواره و بی‌خانمان در داخل یک کشور وجود نداشت، اما این امر کمیسیون را که از حمایت قاطع امریکا نیز برخوردار بود، از احراز یک صلاحیت برای خود که دولت‌ها را در این زمینه مسئول بشناسد، باز نمی‌داشت.

مسئله بسیار مهم در این زمینه این است که چارچوب هنجاری که با نظر مثبت

---

۸۹. کنوانسیون حقوق کودک، ماده ۳۸. همچنین بند ۱ این ماده می‌گوید «دولت عضو کنوانسیون متعهد می‌شوند که به مقررات حقوق بشردوستانه بین‌المللی در زمان مخاصمات مسلحانه که مربوط به کودکان می‌شوند احترام بگذارند» که نمایانگر مکمل بودن دو نظام حقوق بشر و حقوق بشردوستانه است.

90. Optional Protocol to the Convention on the Rights of the Child on the involvement of children in armed conflict, GA Res. 54/263 (2000), entered into force on 12 February 2002.

۹۱. همان‌طور که یکی از نویسندگان این مقاله بیش از ۱۵ سال قبل در مقاله خود آورده که «نظام نظارتی که به سیستم ملل متحد اجازه می‌دهد تا به نقض فاحش حقوق بشر به طرق مختلفی عکس‌العمل نشان دهد، در حقوق بین‌الملل عرفی تثبیت شده است...».

...جا دارد به این موضوع پردازیم که دامنه قواعدی که می‌توانند به‌نحو شایسته‌ای موضوع بررسی دقیق یا [نظام نظارتی] قرار بگیرند، از چند جهت به قواعد عرفی محدود می‌شود. از نظر نویسندگان [مقاله حاضر] دامنه قواعد عرفی گسترده است و تمامی ابعاد نظام حقوق بشر بین‌الملل را دربرمی‌گیرد. بنابراین، نظام نظارتی مزبور، قواعد عرفی، قواعد مبتنی بر تفسیر رسمی و اصول کلی را مورد توجه کامل قرار می‌دهد و همچنین به قواعد حقوقی نرم نیز توسعه می‌یابد؛

Simma and Alston, 'The Sources of Human Rights Law: Custom, Jus Cogens, General Principles', 12 Australian Year Book of International Law(1992) 82, at 99.

ایالات متحده و دیگر اعضای کمیسیون شکل یافته است، به هیچ وجه به قواعد حقوق بشری محدود نمی‌شود، بلکه به طور قابل توجهی نسبت به حقوق پناهندگان و حقوق بین‌الملل بشردوستانه نیز تسری می‌یابد.<sup>۹۲</sup> این وسعت عمل در مقایسه با نهادهای معاهده‌ای، برتری سیستم کمیسیون حقوق بشر را نشان می‌دهد که به این رکن و همچنین شورای حقوق بشر این اجازه را داده که بتوانند نسبت به نقض‌های حقوق بشر واکنش نشان دهند و از قربانیان آنها حمایت کنند، حتی در وضعیت‌هایی که عملاً تحت شمول رژیم حقوق بشر بین‌الملل قرار نمی‌گیرند. کارآمدی این سیستم وقتی است که عدم رعایت حقوق بشر از جانب یک دولت، نه تنها در نقض‌های ارتكابی از سوی این دولت، بلکه در تصمیمات آن دولت در مورد عدم تصویب اسناد مهم بین‌المللی حقوق بشری نیز منعکس می‌شود. علاوه بر این، خلأ موجود بین صلاحیت‌های نظارتی کمیسیون و شورا و تعهدات حقوقی دولت‌ها نسبت به آن ثابت کرده است که باید محیط مطلوبی برای رشد و توسعه هنجاری، پیشبرد آن بخش از مأموریت‌های کمیسیون و شورا و حتی برای به نتیجه رسیدن تهیه و تنظیم اسناد هنجارساز جدید وجود داشته باشد.

در خصوص مأموریت محول به گزارشگر ویژه در مورد اعدام‌های فراقانونی، فوری یا خودسرانه، همان‌طور که در قطعنامه موجد اعطای مأموریت نیز تعریف شده، هدف از ایجاد این مأموریت «بررسی ... موضوعات مربوط به اعدام‌های فوری یا خودسرانه است»، ولی اشاره نشده که این مأموریت باید در چه قالب حقوقی اجرا گردد.<sup>۹۳</sup> بنابراین، مأموریت مزبور بیش از آنکه با استناد به نظام حقوقی خاصی تعریف شود بر مبنای پدیده اعدام‌های فراقانونی، فوری یا خودسرانه که مورد توجه کمیسیون و در حال حاضر شورای حقوق بشر بوده، تعریف و تبیین شده است.

بررسی جدید گزارشگر ویژه درباره تحول اساسی و ساختاری در مأموریت محول به آن، حاکی است که این تغییر و تحولات اساساً از عواملی از جمله درخواست دولت‌ها برای توجه به حوادث خاصی که در قطعنامه اصلی مورد اشاره قرار نگرفته بودند، با لزوم واکنش به اشکال جدید موارد نقض حقوق بشر و به وسیله درخواست‌های فزاینده عمومی در مورد عکس‌العمل‌های مؤثر در زمینه‌های خاص ناشی شده است.<sup>۹۴</sup> مأموریت محول به گزارشگر ویژه از جهت توسعه و تحول در شیوه‌ها و انتظارات جدید در رژیم کلی حقوق بشر نیز متأثر گردیده است. تحول مزبور شامل فرایندی است که براساس آن، دامنه اختیارات نهادهای حقوق بشری نسبت به هنجارهای حقوق بین‌الملل بشردوستانه نیز تسری پیدا می‌کند. این فرایند از زمان کنفرانس جهانی

92. See generally S. Bagshaw, *Developing a Normative Framework for the Protection of Internally Displaced Persons*(2005); and C. Phuon, *The International Protection of Internally Displaced Persons* (2004).

93. *Comm. Hum. Rts., Res. 1982/29, para. 2; ECOSOC Res. 1982/35, para. 2.*

94. Report of the Special Rapporteur on extrajudicial, summary or arbitrary executions, UN Doc. A/62/265(16 Aug. 2007), paras 22 – 54.

حقوق بشر تهران که در سال ۱۹۶۸ برگزار شد، به صورت یک جریان تدریجی، اما ثابت بوده است. بررسی جامع توسعه مذکور در حال حاضر میسر نیست.<sup>۹۵</sup> در عوض، مناسب است برخی از شیوه‌های خاصی که مأموریت گزارشگر ویژه اعدام‌های فراقانونی را تحت تأثیر و تحول قرار داده است، مورد بررسی قرار گیرد. همان‌گونه که گزارشگر ویژه در تحقیق سال ۲۰۰۷ خود در مورد جریان کلی گسترش وظایف [خود] اعلام داشت:

«برآیند کار، یک جریان تحول اساسی است که اطمینان می‌دهد مأموریت‌های محول به گزارشگر ویژه، محصور در زمان نیستند و از این‌رو، او می‌تواند نسبت به اوضاع و احوال جدید و در حال تغییر واکنش نشان دهد. تغییر مزبور در گزارش‌های سالیانه گزارشگران ذی‌ربط به‌طور کامل مورد اشاره قرار گرفته و این گزارش‌ها موضوع بحث و جدل و انتقادات همیشگی در میان نمایندگان دولت‌ها واقع می‌شوند. در پایان رسیدگی به گزارش‌ها، کمیسیون یا شورا طبق روال سنتی خود با صدور قطعنامه، موضع خود را نسبت به تأیید این تحولات جدید اعلام می‌دارد. در بسیاری از موارد، تحولات گزارش شده صریحاً از سوی کمیسیون یا شورا که گزارش مربوط را مورد ملاحظه قرار می‌دهد و اغلب از مقام گزارش‌دهنده خواستار افزایش یا تقویت اقدامات مشخصی می‌شود، مورد تأیید قرار می‌گیرند».<sup>۹۶</sup>

این مسئله ما را به سوی عنصر سوم در راهبرد ایالات متحده سوق می‌دهد که طبق آن، ایجاد یک رویه ثابت از سوی گزارشگر ویژه در وارد دانستن حقوق بین‌الملل بشردوستانه در حوزه کاری خود تحت هیچ شرایطی نمی‌تواند فقد صلاحیت ذاتی اعطا شده به کمیسیون حقوق بشر را در استناد صریح به این شاخه از حقوق بین‌الملل جبران کند. امریکا بیان داشت:

«هرچند ممکن است گزارشگر ویژه در موارد خارج از مأموریت و اختیارات خود گزارش‌هایی داده باشد، لیکن این موضوع، صلاحیت [لازم] برای بررسی چنین مسائلی را به او اعطا

---

۹۵. برای مطالعه نمونه‌های دیگری از نهادهای صلاحیتدار که در طول مخاصمات مسلحانه با مجوز ارکان سیاسی مربوط مثل کمیسیون حقوق بشر و مجمع عمومی فعالیت می‌کنند، مراجعه کنید به:

the Working paper on the relationship between human rights law and international humanitarian law by F. Hampson and I. Salama, UN Doc. E/CN.4/Sub.2/2005/14 (2005), para. 64;

این مقاله بیان می‌دارد که «گزارش‌های نهادهای ذی‌صلاح راجع به وضعیت‌های مخاصمات و قطعنامه‌های مجمع عمومی که به این مأموریت اشاره می‌کنند، به‌طور مرتب هم به نظام حقوق بشر و هم به حقوق مخاصمات مسلحانه استناد کرده‌اند». همچنین مراجعه کنید به:

the Report of the Special Rapporteur (Mr. Felix Ermacora) on the Situation of Human Rights in Afghanistan, UN Doc. A/49/650 (1994); Report of the Independent Expert on the situation of human rights in Afghanistan, Mr. Cherif Bassiouni, UN Doc. E/CN.4/2005/122 (2005); and the Report of the Independent Expert on the question of the protection of human rights and fundamental freedoms while countering terrorism (Mr. Robert K. Goldman), UN Doc. E/CN.4/2005/103 (2005).

۹۶. Report of the Special Rapporteur, supra note 91, at para. 53.

نمی‌کند».<sup>۹۷</sup>

چنین مسئله‌ای در حقوق داخلی نیز بیان گردیده که یک رویه ثابت در اتخاذ اقدامات خارج از صلاحیت، جبران‌کننده نقیصه اصلی [فقد صلاحیت] نیست. اما چنین قیاسی در مورد نظام حقوق بین‌الملل صدق نمی‌کند. یک بخش جدایی‌ناپذیر چارچوب حقوقی بین‌المللی، ماهیت پویا و زنده بودن آن و نقش غیرقابل‌انکاری است که رویه و عملکرد دولتی در تشکیل قواعد عرفی، از قبیل قواعد مربوط به توسعه صلاحیت‌های ساختاری و تحول‌هنجاری گسترده‌تر دارد.<sup>۹۸</sup> اظهارنظرهای ایالات متحده تا جایی صحیح است که هدف آن تأکید بر این نکته باشد که گزارشگر ویژه به‌تنهایی نمی‌تواند محدوده چارچوب قانونی را که باید مأموریتش در داخل آن انجام بگیرد، مشخص سازد. البته هیچ دولتی نمی‌تواند چنین ادعایی را طرح بکند. بازنگری و قبولی، ممانعت یا رد تفاسیر ارائه شده به‌وسیله گزارشگران بعدی بر عهده شورای حقوق بشر است که سابقاً این کار توسط کمیسیون حقوق بشر صورت می‌گرفت. مواردی که ذیلاً بیان می‌شود نمونه‌های گویایی را درباره مأموریت اعطا شده در زمینه کشتارهای غیرقانونی به دست می‌دهند.

در سال ۱۹۸۳ آقای اس. آموس واکو<sup>۹۹</sup> براساس مأموریت محوله در اولین گزارش خود این‌طور بیان داشت که اعدام‌های فراقانونی و خودسرانه مکرراً در طول مخاصمات مسلحانه اتفاق می‌افتند و از این جهت، حقوق بین‌الملل بشردوستانه بخشی مهم از چارچوب حقوقی مأموریت گزارشگر ویژه را شکل داده است. وی با در نظر گرفتن این مطلب، بخش مهمی را در مورد «کشتار در جنگ، مخاصمه مسلحانه و وضعیت‌های اضطراری» زیر عنوان «موازن حقوقی بین‌المللی» در گزارش خود درج کرد.<sup>۱۰۰</sup> در این قسمت از گزارش، پس از بحث در خصوص اعمال حقوق بشر بین‌الملل نسبت به نقض قواعد مربوط آقای واکو بیان می‌دارد که «کنوانسیون‌های ژنو نیز در زمره قواعد مربوط قرار می‌گیرند... هر یک از کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو به‌طور صریح قتل و دیگر اعمال خشونت‌آمیز علیه اشخاص مورد حمایت را منع می‌کنند. کنوانسیون‌ها صراحتاً مقرر می‌دارند که «کشتارهای عامدانه» باید «نقض‌های فاحش» کنوانسیون‌های ژنو و به عبارتی، جنایات جنگی مشمول اصل صلاحیت جهانی تلقی گردند».<sup>۱۰۱</sup> گزارش مذکور توسط کمیسیون مورد قبول واقع شد.<sup>۱۰۲</sup>

97. Letter dated 4 May 2006, supra note 22, at p. 4.

98. See supra note 30 and accompanying text.

99. S. Amos Wako

100. Report by Mr. S. Amos Wako, Comm. Hum. Rts., 39th sess., UN Doc. E/CN.4/1983/16, paras. 29 – 39 (31 Jan. 1983).

101. Ibid. at paras 33– 34.

102. Comm. Hum. Rts., Res. 1983/36, para. 3 (8 Mar. 1983).

در ژانویه ۱۹۹۲ آقای واکو ضمیمه‌ای را با عنوان «فهرست اسناد و دیگر موازینی که چارچوب قانونی مأموریت گزارشگر ویژه را شکل می‌دهند» به گزارش سالیانه‌اش افزود و منتشر ساخت.<sup>۱۰۳</sup> کنوانسیون‌های ژنو سه مورد از چهارده مورد مندرج در آن فهرست را ارائه می‌دهند. این گزارش بی‌کم و کاست از سوی کمیسیون مورد پذیرش قرار گرفت.<sup>۱۰۴</sup> علاوه بر این، کمیسیون «توصیه‌نامه‌هایی را در خصوص الغای اعدام‌های فراقانونی، فوری یا خودسرانه صادر کرد».<sup>۱۰۵</sup> این توصیه‌نامه‌ها حاوی نظرها و پیشنهادهایی در مورد اعدام‌های فراقانونی در طول مخاصمه مسلحانه بودند.<sup>۱۰۶</sup> اگر کمیسیون نمی‌پذیرفت که حقوق بین‌الملل بشردوستانه بخشی از چارچوب قانونی را که مأموریت گزارشگر ویژه باید در قالب آن اجرا گردد شکل داده است، در آن صورت، درک این مطلب دشوار می‌گردد که چرا کمیسیون به صراحت توصیه‌نامه‌های گزارشگر ویژه را در مورد اعدام‌های فراقانونی در زمان مخاصمه مسلحانه تأیید کرده بود.

در دسامبر ۱۹۹۲ بکره ولی اندیایه،<sup>۱۰۷</sup> گزارشگر ویژه بعدی، در اولین گزارش خود قسمتی را در مورد « موارد نقض حق حیات در دوران مخاصمات مسلحانه» زیر عنوان «چارچوب قانونی اجرای مأموریت گزارشگر ویژه» در گزارش خود گنجانده.<sup>۱۰۸</sup> او در قسمت مزبور بیان داشت:

«گزارشگر ویژه شکایات متعددی را در مورد اعدام‌های فراقانونی، فوری یا خودسرانه در طول مخاصمات مسلحانه دریافت می‌دارد. در بررسی و اقدام در مورد چنین قضایایی، گزارشگر ویژه، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی به آنها را مورد نظر قرار می‌دهد. از جمله موادی که مورد توجه گزارشگر ویژه قرار می‌گیرند ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو است که از حق حیات جمعیت غیرنظامی و همچنین رزمندگانی که مجروح شده‌اند یا سلاحشان را به زمین گذاشته‌اند، حمایت می‌کند. نیز ماده ۵۱ پروتکل الحاقی اول و ماده ۱۳ پروتکل الحاقی دوم در رابطه با حمایت از جمعیت غیرنظامی در برابر خطرهای ناشی از عملیات نظامی است».<sup>۱۰۹</sup>

**103.** Report by Mr. S. Amos Wako, Comm. Hum. Rts., 48th sess., UN Doc. E/CN.4/1992/30, p. 176 (31 Jan. 1992).

**104.** Comm. Hum. Rts., Res. 1992/72, para. 3 (5 March 1992).

**105.** *Ibid.*

**106.** Report by Mr. S. Amos Wako, *supra* note 99, paras. 649(f) and 651(b).

**107.** Bacre Waly Ndiaye

**108.** Report by R. Bacre Waly Ndiaye, Comm. Hum. Rts., 49th sess., UN Doc. E/CN.4/1993/46, paras. 60 – 61 (23 Dec. 1992).

**109.** *Ibid.*, para. 60. Mr. Ndiaye repeatedly stated this interpretation in his report to the Commission each subsequent year. See Report by Mr. Bacre Waly Ndiaye, Comm. Hum. Rts., 50th sess., UN Doc. E/CN.4/1994/7, para. 10(1) (7 Dec. 1993); Report by Mr. Bacre Waly Ndiaye, Comm. Hum. Rts., 51st sess., UN Doc. E/CN.4/1995/61, para. 7(d), paras. 394-96 (14 Dec. 1994); Report by Mr. Bacre Waly Ndiaye, Comm. Hum. Rts., 52nd sess., UN Doc. E/CN.4/1996/4, para. 10(f), paras. 587-89 (25 Jan. → 1996);

این گزارش کاملاً مورد قبول کمیسیون قرار گرفت.<sup>۱۱۰</sup>

در ژانویه ۱۹۹۵ گزارش مشترکی در مورد کلمبیا توسط دو تن از گزارشگران ویژه صادر شد. یکی از این گزارشگران آقای اندیایه، گزارشگر ویژه موضوع اعدام‌های فراقانونی، فوری یا خودسرانه در آن دوره و دیگری آقای نایجل رادلی، گزارشگر ویژه موضوع شکنجه بود. این گزارش، اشاره‌های دقیقی به موارد نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه کرده بود و به‌طور ضمنی اشاره داشت که گروه‌های شورشی با پرداختن به اقداماتی چون ترور و قتل جاسوسان و زنان و دختران اعضای نیروهای مسلح و همچنین به گروگان گرفتن این زنان و دختران به‌منظور باجگیری، حقوق بشردوستانه را نقض کرده‌اند.<sup>۱۱۱</sup> همچنین آقای اندیایه در گزارش خود در مورد بازدید از بروندی در جولای ۱۹۹۵ درگیری موجود در آن کشور را به‌عنوان یک «جنگ داخلی نه چندان شدید» نام برد.<sup>۱۱۲</sup> احراز وجود یک مخاصمه، بدون تردید از عناصر اجرای حقوق بین‌الملل بشردوستانه است، نه حقوق بشر بین‌الملل. کمیسیون حقوق بشر در قطعنامه ۱۹۹۶/۷۴ نه تنها این گزارش را به‌طور کلی مورد تصویب قرار داد، بلکه به‌ویژه «نحوه گزارش‌دهی» آقای اندیایه را نیز در گزارش مزبور تأیید کرد.<sup>۱۱۳</sup> در سال ۱۹۹۹ خانم اسماء جهانگیر در تهیه نخستین گزارش خود به‌عنوان گزارشگر ویژه از چارچوب قانونی مربوط به شیوه انجام مأموریت گزارشگر که توسط گزارشگر قبلی، آقای اندیایه، پایه‌ریزی شده بود، پیروی کرد.<sup>۱۱۴</sup> کمیسیون این گزارش را در کلیت آن در قطعنامه ۱۹۹۹/۳۵ خود در مورد اعدام‌های فراقانونی، فوری یا خودسرانه به تصویب رساند.<sup>۱۱۵</sup> در سال ۲۰۰۵ آقای فیلیپ آلستون به‌عنوان گزارشگر ویژه جدید در زمینه

---

Report by Bacre Waly Ndiaye, Comm. Hum. Rts., 53rd sess., UN Doc. E/CN.4/1997/60, paras. 38 – 41 (24 Dec. 1996); Report of Mr. Bacre Waly Ndiaye, Comm. Hum. Rts., 54th sess., UN Doc. E/CN.4/1998/68, paras. 42 – 43 and 126 – 127 (23 Dec. 1997).

**110.** Comm. Hum. Rts., Res. 1993/71, para. 4 (10 Mar. 1993) (‘ T[aking] note with appreciation of the report of the Special Rapporteur and welcom[ing] his recommendations with a view to eliminating extrajudicial summary or arbitrary executions’).

**111.** Joint report of the Special Rapporteur on the question of torture, Mr. Nigel S. Rodley, and the Special Rapporteur on extrajudicial, summary or arbitrary executions, Mr. Bacre Waly Ndiaye, mission to Colombia, Comm. Hum. Rts., 51st sess., UN Doc. E/CN.4/1995/111, para. 57 (Jan. 16, 1995).

**112.** Report of the Special Rapporteur on extrajudicial, summary, or arbitrary executions, Mr. Bacre Waly Ndiaye, submitted pursuant to Commission resolution 1995/73, mission to Burundi, Comm. Hum. Rts., 52nd sess., UN Doc. E/CN.4/1996/4/Add.1 (July 24 1995).

**113.** Resolution 1996/74 on extrajudicial, summary, or arbitrary executions (23 April 1996).

**114.** Report of Ms. Asma Jahangir, Comm. Hum. Rts., 55th sess., UN Doc. E/CN.4/1999/39, para. 7 (6 Jan. 1999). Ms. Jahangir repeatedly stated this interpretation in each subsequent year. See Report of Ms. Asma Jahangir, Comm. Hum. Rts., 56th sess., UN Doc. E/CN.4/2000/3, paras. 6(f), 30, → and 103 – 105 (25 Jan. 2000); Report of Ms. Asma Jahangir, Comm. Hum. Rts., 57th sess., UN Doc. E/CN.4/2001/9, paras. 7(b) and 51 – 53 (11 Jan. 2001)...’.

**115.** Comm. Hum. Rts., Res. 1999/35, para. 8 (26 April 1999).

اعدام‌های فرا قانونی، فوری یا خودسرانه در اولین گزارش خود درباره پاسخ‌های ایالات متحده نسبت به مکاتبات انجام شده برای اعدام‌های فرا قانونی ادعا شده در یمن و عراق که قبلاً بحث شد، اعلام داشت که «واکنش‌های مذکور مسائلی را مطرح می‌سازند که نیازمند توضیح هستند. مسئله نخست راجع به جایگاه حقوق بشردوستانه در چارچوب مأموریت گزارشگر ویژه است. حقیقت این است که حقوق بشردوستانه کاملاً در حیطه مأموریت وی قرار دارد».<sup>۱۱۶</sup> کمیسیون در قطعنامه ۲۰۰۵/۳۴ خود در مورد اعدام‌های فرا قانونی، فوری یا خودسرانه این گزارش را مورد پذیرش قرار داد.<sup>۱۱۷</sup> این قطعنامه همچنین به صراحت بیان داشت: «... حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه مکمل یکدیگر هستند، نه اینکه متقابلاً مانع‌الجمع باشند».<sup>۱۱۸</sup> بنابراین، رویکرد گزارشگر ویژه طبق مأموریت اعطا شده به او صریحاً مورد تأیید واقع شده است. در حقیقت، فرایند مورد نظر که مأموریت گزارشگر ویژه در قالب آن پایه‌ریزی و توسعه داده شده، در طول ۲۵ سال مکرراً در ارتباط با وضعیت‌های مخاصمه مسلحانه معمول بوده و تا سال ۲۰۰۳ با هیچ اعتراضی از سوی ایالات متحده رو به رو نشده است؛ به‌ویژه اینکه امریکا هیچ مخالفتی را در مورد چارچوب قانونی که توسط آقای واکو طراحی شده و در سالیان متمادی از سوی گزارشگران بعدی و در قالب گزارش‌های متعدد مکرراً در پیش گرفته شده بود، مطرح ساخت. حتی پس از اینکه گزارشگر ویژه در گزارش سال ۲۰۰۵ خود صریحاً این مسئله را در مخالفت محض با موضع ایالات متحده خاطر نشان ساخت دولت مذکور به‌عنوان عضو کمیسیون حقوق بشر ترجیح داد که نه وارد مذاکرات عمومی شود و نه از کمیسیون بخواهد که این قطعنامه را بر خلاف نتایج حاصل از گزارش سالیانه گزارشگر ویژه مورد اصلاح قرار دهد. در مقابل، امریکا در مذاکرات مربوط به تصویب قطعنامه اعمال نفوذهایی را به شیوه‌ای دیگر انجام داد.<sup>۱۱۹</sup> بدین شکل که در رأی‌گیری راجع به قطعنامه، رأی ممتنع داد.<sup>۱۲۰</sup> پس از دو دهه سکوت در مقابل عملکرد یک سلسله گزارشگران ویژه که صریحاً مسائل حقوق بشردوستانه و وضعیت‌های مربوط به مخاصمات مسلحانه را مورد توجه قرار می‌دهند، مشخص نیست که دلیل اصلی تغییر ناگهانی

116. UN Doc. E/CN.4/2005/7, *supra* note 23, para. 45.

117. Resolution 2005/34 on Extrajudicial, Summary, or Arbitrary Executions, para. 12 (19 April 2005).

118. *Ibid.*, preamble.

119. Commission des droits de l'homme, Compte rendu analytique de la 56e séance (19 April 2005) UN Doc. E/CN.4/2005/SR.56, para. 88 – 89 (2006).

120. Comm. Hum. Rts., UN Doc. E/CN.4/2005/135, p. 136 (2005). Under the principle of acquiescence in international law, such ' tacit recognition manifested by unilateral conduct ... may [be] interpret[ed] as consent. ' Delimitation of the Maritime Boundary in the Gulf of Maine Area , ICJ Reports (1984), 246, at 305, para. 130. See also Temple of Preah Vihear, ICJ Reports (1962) 6, at 23 (finding that because Thailand did not object to maps provided by France delimitating the border at issue, they ' thereby must be held to have acquiesced ' ); D. W. Bowett, ' Estoppel Before International Tribunals and its Relation to Acquiescence', BYPIL (1957) 176, at 201.

در رویه ایالات متحده چیست، بجز این حقیقت که این دولت به محض اینکه عملکردهایش در زمینه مخاصمات مسلحانه زیر سؤال رفت، دیدگاه خود را نسبت به فعالیت‌های گزارشگران ویژه تغییر داد. علاوه بر این، قابل ذکر است که دیگر کشورها از رهیافت جدیداً مطرح شده دولت امریکا حمایت نکرده‌اند.

#### ۴. نتیجه‌گیری

رهیافتی که دولت امریکا از سال ۲۰۰۳ در حوزه حقوق بشر بین‌الملل و مأموریت شورای حقوق بشر اتخاذ کرده، دارای دو جنبه عمده است. جنبه نخست آن به مسئولیت خود ایالات متحده برمی‌گردد درحالی که جنبه دیگر آن به پیامدهایی که برای سیستم بین‌المللی مسئولیت در کل دارد، مربوط می‌شود.

قبلاً نیز در مورد خط‌مشی‌ها و رویکردهایی که ایالات متحده اتخاذ کرده و با توسل به تفاسیر حقوقی به آنها استحکام بخشیده، مطالبی در این مقاله به رشته تحریر درآمده است، اما به نظر می‌رسد این رویکردها با این هدف مطرح گردیده باشد که ایالات متحده بتواند با حداکثر انعطاف‌پذیری و حداقل پاسخگویی، راهبرد خود را در زمینه مبارزه با تروریسم به پیش ببرد. پیش از آنکه بخواهیم تحلیل‌های مزبور را در اینجا تکرار کنیم باید اشاره کرد که در آن زمان، ایالات متحده این‌گونه استدلال کرده بود که این دولت خود را در مورد اقداماتی که در چارچوب مبارزه با تروریسم انجام داده در برابر شورای حقوق بشر ملزم به پاسخگویی نمی‌داند. همچنین دولت مذکور مسئولیت در مورد دیگر زمینه‌ها و موضوعات را نیز محدود یا رد کرده است. از جمله این موارد، ادعایی است که براساس آن، امریکا مدعی شده که «مبارزه با تروریسم» یک مخاصمه مسلحانه در مفهوم ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو است و مفهوم «خاتمه مخاصمات» می‌تواند به‌طور کاملاً نامحدود تعریف شود و دیگر اینکه معاهداتی همچون میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی می‌توانند به‌گونه‌ای تفسیر شوند که از طرح مسئولیت برای اقدامات فرا سرزمینی ارتکاب یافته در نقاطی همچون زندان گوانتانامو پیشگیری به عمل بیاورند. نکته بسیار حائز اهمیت در رویکرد فعلی ایالات متحده در مسائل مذکور این است که این دولت معتقد است مخاصمات مسلحانه در سطح بین‌المللی مابین یک دولت و یک عامل غیردولتی، مثل گروه القاعده، تحت شمول قواعد حقوق بشردوستانه قرار نمی‌گیرند.<sup>۱۳۱</sup> بنابراین، پیامد چنین رویکردی این است که ادعای دولت امریکا مبنی بر عدم الزام به پاسخگو بودن در برابر شورای حقوق بشر با ادعاهای مربوط به عدم مسئولیت در برابر دیگر ساز و کارهای حمایتی بالقوه که ممکن است اقدامات ایالات متحده را کاملاً به چالش بکشند، در یک هم‌آوایی قرار می‌گیرند و

121. For a systematic and incisive analysis of each of these arguments see Satterthwaite, 'Rendered Meaningless: Extraordinary Rendition and the Rule of Law', 75 The Geo. W. ton L. Rev. (2007)1333.



از این رو، چنین ادعاهایی خلئی را در سیستم مسئولیت حقوقی پدید می‌آورند. همچنین پیامدهای رهیافت ایالات متحده در قبال حقوق بشر بین‌الملل در کل، جنبه‌های چالش برانگیز قضیه هستند. دقیقاً همان طور که تجربه نشان می‌دهد «بخش قابل توجهی از اعدام‌های فراقانونی، فوری یا خودسرانه در وضعیت‌های مخاصمه مسلحانه اتفاق می‌افتند» و از این رو، هرگونه باز تعریفی از اختیارات گزارشگر ویژه، قابلیت وی در حمایت از افراد را در چنین وضعیت‌هایی به شدت محدود خواهد کرد و کلاً صلاحیت این رکن را در مسئول اعلام کردن دولت‌ها به خاطر اعدام‌های فراقانونی ارتکاب یافته در چارچوب مخاصمات مسلحانه زائل خواهد ساخت.<sup>۱۲۲</sup> به همان میزان که رهیافت ایالات متحده اختیار گزارشگر ویژه را در احراز این مسئله که آیا حقیقتاً یک حادثه خاصی در یک مخاصمه مسلحانه اتفاق افتاده است یا خیر، رد کرده، علاوه بر آن، چنین رویکردی، تمام دولت‌ها را قادر خواهد ساخت که از انجام تحقیقات دقیق در مورد کشتارهای ارتكابی در مخاصمات مسلحانه تنها به این دلیل که آنها در شرایط یک مخاصمه مسلحانه ارتکاب یافته‌اند، جلوگیری کنند.

میزان این آثار منفی [رهیافت امریکا] با بررسی برخی نمونه‌های وضعیت‌های مخاصمه مسلحانه در گذشته که در آنها گزارشگر ویژه توانسته نقش مؤثری ایفا کند به بهترین وجه روشن می‌شود:

- در طول جنگ داخلی رواندا در سال ۱۹۹۳ گزارشگر ویژه در جهت به اثبات رساندن اعدام‌های فراقانونی در آنجا مأموریتی را در پیش گرفت.<sup>۱۲۳</sup> گزارش حاصل از مأموریت وی از بروز یک ژنوسید قریب‌الوقوع در آن کشور خبر می‌داد.<sup>۱۲۴</sup>

- در زمان درگیری مسلحانه بین هند و پاکستان در سال ۱۹۹۹ گزارشگر ویژه ۱۳ شکایت راجع به نقض حق حیات را متوجه دولت هند دانست.<sup>۱۲۵</sup> او همچنین ۱۶ شکایت را نیز به دولت پاکستان ارسال کرد.<sup>۱۲۶</sup>

- در طول مخاصمه مسلحانه میان اتیوپی و اریتره در خلال سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۰ گزارشگر ویژه ۱۲ مورد شکایت فردی را در خصوص اعدام‌های فراقانونی در اتیوپی در سال ۱۹۹۸ و یک مورد را نیز در سال ۲۰۰۰ به این دولت ارجاع داد.<sup>۱۲۷</sup>

---

**122.** Report of the Special Rapporteur, Mr. S. Amos Wako, Comm. Hum. Rts., 42d sess., UN Doc. E/CN.4/1986/21, para. 150 (7 Feb. 1986).

**123.** Report by Mr. B.W. Ndiaye, Special Rapporteur, on his mission to Rwanda from 8 to 17 April 1993, UN Doc. E/CN.4/1994/7/Add.1 (11 August 1993).

**124.** See Report of the Independent Inquiry into the Actions of the United Nations during the 1994 Genocide in Rwanda (15 Dec. 1999) (enclosure of S/1999/1257 (16 Dec. 1999)), at 6 – 7.

**125.** *Ibid.*, para. 225.

**126.** *Ibid.*, para. 348.

**127.** UN Doc. E/CN.4/1999/39/Add.1, UN Doc. E/CN.4/2001/9/Add.1, para. 77 (6 January 1999); para. 178 (17 Jan. 2001).

- در ژوئن ۲۰۰۲ در واکنش به اعدام‌های فرا قانونی ادعا شده در زمان جنگ داخلی در جمهوری دموکراتیک کنگو، گزارشگر ویژه مأموریتی را در آن کشور در دستور کار قرار داد. گزارش وی اطلاعات مهمی را درباره قتل عام غیرنظامیان در کیسانقانی<sup>۱۲۸</sup> توسط گروه شبه نظامی اتحاد برای دموکراسی در کنگو در ۱۴ می ۲۰۰۲ قید کرده بود.<sup>۱۲۹</sup>

- نهایتاً حقوق بین الملل بشردوستانه همچنین نسبت به وضعیت‌های اشغال سرزمین نیز اعمال می‌گردد.<sup>۱۳۰</sup> در این خصوص، گزارشگر ویژه در بسیاری از موارد راجع به کشتارهای هدفمند ادعایی ارتکاب یافته توسط رژیم صهیونیستی در سرزمین‌های فلسطین اشغالی وارد بررسی شده که بالغ بر ۳۸ مورد از این رسیدگی‌ها فقط در سال ۲۰۰۵ صورت گرفته است.<sup>۱۳۱</sup> به دنبال کشتن هدفمندانه رهبر روحانی فلسطینیان، شیخ احمد یاسین، به وسیله اصابت موشک یک هلیکوپتر اسرائیلی در سال ۲۰۰۴ گزارشگر ویژه مکاتبه‌ای را با رژیم صهیونیستی انجام داد که باعث گردید آن رژیم پاسخ دقیقی را ارائه دهد.<sup>۱۳۲</sup>

از رهیافت مورد حمایت دولت ایالات متحده آمریکا چنین برمی‌آید که اقدامات گزارشگر ویژه موضوع اعدام‌های فرا قانونی، فوری یا خودسرانه در خصوص مورد توجه قرار دادن هر کدام از این وضعیت‌ها، به نوعی تخلف از اختیارات وی بر اساس مأموریت محول بوده است. همچنین [از نظر ایالات متحده] گزارشگر ویژه باید به رسیدگی به شکایات [فردی] رسیده از قربانیان مخاصمات در منطقه دارفور سودان، سریلانکا و در بسیاری از دیگر وضعیت‌های مخاصمه [در دیگر نقاط جهان] که نقض‌های شدید و گسترده حقوق بشر در آنها گزارش شده است، پایان دهد.

اگر موضع ایالات متحده از صحت و اعتبار کافی برخوردار است، لازم به ذکر است که این امر در ارتباط با وضعیت‌هایی غیر از وضعیت‌های مربوط به اقدامات خود ایالات متحده می‌تواند مصداق داشته باشد. از این رو، بسیار در خور توجه است که ایالات متحده این فرایند را آغاز کرده است. بنابراین در تبادل نظرها در شورای حقوق بشر، راجع به گزارش مشترک ارائه شده توسط چهار گزارشگر، از جمله گزارشگر ویژه موضوع اعدام‌های فرا قانونی، فوری یا خودسرانه در مورد

---

128 . Kisangani

129. Report of the Special Rapporteur, Ms. Asma Jahangir, submitted pursuant to Commission on Human Rights resolution 2002/36, Addendum, Mission to the Democratic Republic of the Congo, UN Doc. E/CN.4/2003/3/Add.3 (4 Nov. 2002).

130. Geneva Conventions of 1949, Common Article 2; Hague Regulations of 1907, Arts. 42 – 56; Fourth Geneva Convention, Arts. 27 – 34 and 47 – 78.

131. Report of the Special Rapporteur, Philip Alston, Extrajudicial, Summary or Arbitrary Executions, Addendum, UN Doc. E/CN.4/2006/53/Add.1, at 125 – 136 (27 March 2006).

132. Philip Alston, Report of the Special Rapporteur on extrajudicial, summary or arbitrary executions, Addendum, Summary of cases transmitted to Governments and replies received, UN Doc. E/CN.4/2005/7/ Add.1, paras. 357 – 358 (17 March 2005).

مأموریت آنان در فلسطین اشغالی و لبنان،<sup>۱۳۳</sup> ایالات متحده اظهارات زیر را بیان داشت:

«ایالات متحده متأسف است که گزارشگران مزبور خود را درگیر مسائل پیچیده حقوق بین‌الملل بشردوستانه کرده‌اند. براساس قطعنامه‌های مربوط به شورا ما هیچ دلیلی نمی‌بینیم که گزارشگران در مورد نحوه انجام عملیات نظامی فعلی صحبت کنند یا درباره اینکه آیا طرفین یک مواضع مسلحانه به تعهدات خود طبق حقوق جنگ وفادار بوده‌اند یا خیر، نظر کارشناسانه بدهند. نتیجه، تأسف‌بار است؛ چرا که گزارش مزبور، حقوق بین‌الملل بشردوستانه را در حوزه‌های تحت حاکمیت حقوق توسل به جنگ به کار می‌برد و نظرهایی را در خصوص حقوق مواضع مسلحانه ارائه می‌دهد که در برخی موارد مبهم و در هر صورت خارج از اختیارات آنها هستند».<sup>۱۳۴</sup>

در پایان، عوامل مختلفی هستند که میزان اعتبار و استحکام رهیافت اتخاذ شده توسط امریکا را در خصوص صلاحیت شورای حقوق بشر ملل متحد و گزارشگر ویژه موضوع اعدام‌های فرا قانونی، فوری یا خودسرانه به‌منظور پیشگیری از تحقیقات دقیق در مورد برخی از اقدامات این دولت در تعقیب سیاست «مبارزه با تروریسم» مشخص خواهند کرد. نخستین عامل، عکس‌العمل دیگر دولت‌ها در چارچوب شورای حقوق بشر است. اگرچه دولت‌های متعددی به جهت سیاست خاص خود، ترغیب خواهند شد که رهیافت اتخاذ شده توسط ایالات متحده را مورد حمایت قرار دهند، ولی بعید به نظر می‌رسد که یک اجماع کلی میان دولت‌ها در حمایت از این رویکرد در آینده شکل بگیرد. دلیل این امر نیز این است که دولت‌هایی که به چنین ائتلافی می‌پیوندند، اگرچه آزادی عمل و مسئولیت‌ناپذیری قابل توجهی را برای خود به دست می‌آورند، ولی در مقابل، فشارها و محدودیت‌هایی را که در حال حاضر وجود دارد و اهداف حقوقی و سیاسی ایالات متحده را در برنامه‌های کلان و جهانی‌اش با مانع مواجه کرده است، از میان برمی‌دارند. عامل دوم به این واقعیت برمی‌گردد که خود ایالات متحده به این نتیجه خواهد رسید که به نفع خود او خواهد بود اگر نهادهای چند جانبه بین‌المللی، همچون سازمان ملل متحد، از این توانایی برخوردار باشند که دیگر دولت‌ها را نیز به علت نقض حقوق بشر که در چارچوب مواضع

---

**133.** Report of the Special Rapporteur on extrajudicial, summary or arbitrary executions, Philip Alston; the Special Rapporteur on the right of everyone to the enjoyment of the highest attainable standard of physical and mental health, Paul Hunt; the Representative of the Secretary-General on human rights of internally displaced persons, Walter Kolin; and the Special Rapporteur on adequate housing as a component of the right to an adequate standard of living, Miloon Kothari, Mission to Lebanon and Israel, UN. Doc. A/HRC/2/7 (2 Oct. 2006).

**134.** Interactive dialogue at the second session of the Human Rights Council concerning the joint report on the mission to Lebanon and Israel, statement of H. E. Mr. Warren W. Tichenor, United States of America (October 2006), available at [http://www.extrajudicialexecutions.org/reports/dialogues/hrc\\_second\\_session\\_4\\_Oct/](http://www.extrajudicialexecutions.org/reports/dialogues/hrc_second_session_4_Oct/) (last accessed 7 January 2008).

مسلحانه صورت می‌پذیرد، مورد بازخواست قرار دهند.